رنجبر

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

مهر ۱۳۹۶ - شماره ۱۴۹
سال ۳۸

به مناسبت کشته شدن شاهرخ زمانی۲۲ /۹۴/۶به بهانه کوبانی !!! – ۱۳۹۳/۸/۴.....صفحه ۶

درسی از فعالیت مبارزاتی مشترک روز.....صفحه ۷

عمل انقلابی کمونیستی و نقد خرده بورژوائی.....صفحه۸

برافراشته تر باد پرچم سرخ بدیل کارگری انقلاب سوسیالیستی.....صفحه۹

عطا حسن آقا کشکولی.....صفحه۱۱

در جنبش جهانی کمونیستی.....صفحه۱۷

دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی کره شمالی.....صفحه۱۷

تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران.....صفحه ۱۷

عدول از حاکمیت طبقاتی پرولتاریائی!

تاریخ چندهزارساله جوامع طبقاتی به روشنی نشان داده است که با بوجود آمدن اضافه تولید، متنوع شدن تقسیم کار، تشکیل خانواده، رشد پدیده ی مالکیت خصوصی، نیاز داشتن به وجود نیروی کار درامور تولیدی، استخدام این نیروها و استثمار نیروی کار در حد بخور و نمیر توسط مالکان با تکیه به قهر به وجودآمد. به علت اعتراضات این نیروهای کار در مبارزه طبقاتی و سهم بری از نتایج کار،آغاز شد. با بالارفتن امکانات تولیدی و کشاندن اکثریت نیروی کار به امور تولیدی توسط این اقلیت مالک صاحب وسایل تولیدی موجود، گذار از کمونهای اولیه اشتراکی به دورانهای مالکیت خصوصی تمرکز یافته در دست مشت کوچکی از تجمعهای بشری با به کار گماری اکثریت فاقد مالکیت این تجمعها در تولید و خدمات و ضرورت حفاظت از این موقعیت برترمالکان، قدم به قدم به ایجاد نظام طبقات حاکم و طبقات محکوم درشکل دولتهای اولیه مختلفی منجرشد. مناسبات مستقیم تجمع های اولیه انسانی با شیوه تولید و شیوه استثمار و حاکمیت انسان بر انسان در دورانهای مختلف مالکان برده دار، فئودال و سرمایه دار، پا به عرصه ی وجود گذاشتند.

بدین ترتیب، مشخصات گروههای تجمع مردم درجوامع **بقیه در صفحه دوم**

آموختن از جانباخته گان زندانیان سیاسی در نبرد متحد با رژیم جمهوری اسلامی ایران

در ۳۹ سال اخیر، نظام سرمایه داری حاکم ایران تحت هدایت جلادان جدید اسلامی، شدیدتر از دوران سلطنتی، لحظه ای در اعمال سرکوب، کشتار، شکنجه، استبداد، پول پاروکردن دزدی و چپاول زحمت کارگران و زحمت کشان و تحمیل فقر و فلاکت عظیم انسانهای مولد و زحمت کش، درنگ نکرده و اعدامهای وحشیانه و فاشیستی چند هزار زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، اوج قسی القلبی این نظام نه تنها درایران بلکه در کل جهان اثبات شده است.

اما این نظام حاکم **بقیه در صفحه چهارم**

استقلال کذائی و بدیل وحدت پرولتاریائی !

این روزها ولوله ای درزجرخانه های سرمایه داری از جمله در خاورمیانه، به نام «استقلال ملی» یا «استقلال کشوری»، هم درسطح ملل و یا درسطح دلسوزی کشورها افتاده است. اما دراین درگیریها کمتر صحبت از دخالت امپریالیستها و صهیونیستها می شود که این جهانخواران نیرنگباز مدافع «استقلال ملی» شده اند. در این میان، حاکمان کشورهای سرمایه داری درمدح «تمامیت ارضی کشورها» خود را مدافع «استقلال کشوری» به دست و پا افتاده اند.

اگر به تاریخ دخالت کشورهای نیرومند سرمایه داری قبل و بعد از جنگ جهانی اول امپریالیستی نظر بیاندازیم در ٤ قاره جهان با تکیه به زورگوئی ازجمله نظیر ایران، یا ممالک محروسه ای از آن را در ترکستان و قفقاز توسط روسیه تزاری جدا شدند و به قلمرو آن ضمیمه شدند، و یا با قیچی تعیین مرزها را سازمان دادند: هندوستان به دو و بعدا ۳ بخش هند، پاکستان، بنگلادش؛ بلوچها به ۳ بخش در پاکستان، ایران، افغانستان تقسیم شدند؛ ترکمنها نیز در ۳ بخش ترکمنستان، ایران و افغانستان قرارداده شدند؛ کردها در ٤ کشور ترکیه، ایران، عراق، سوریه تقسیم شدند و البته حتا در خراسان و اندکی دیگر از کردها در پاکستان وجود دارند؛ ترکهای آذربایجانی نه تنها در دوقسمت جنوب قفقاز و شمال غربی ایران کنونی از هم جداگشتند، تعداد قابل ملاحظه ای از ترکها در مناطق مختلف ایران ساکن هستند و تقسیم بندیهای کشورهای عربی و آفریقائی و آسیائی غیره در خدمت به منافع امپریالیستها شکل گرفتند. این تقسیم بندیهای استعماری وامپریالیستی تاریخی در خدمت به سیاستهای توسعه ی مناطق تحت نفوذ خود صورت گرفتند. اما در شرایط کنونی، برای جلوگیری از سرکشی دولتهای منطقه و تامین سلطه یابی هرچه بیشتربه این مناطق – همان طوری که در شبه جزیره ی بالکان و تکه پاره کردن یوگوسلاوی **بقیه در صفحه چهارم**

اعتصاب غذای متحد

وقتی خبر اعتصاب غذای رضا شهابی پخش شد هنوز ابعاد و تاثیرات آن در برخورد جنبش کارگری و زندانیان سیاسی به آن خود را نشان نمی داد. خیلی زود معلوم شد که فشار رژیم اسلامی بر رضا شهابی در شرایط جدیدی اعمال می شود که رژیم اسلامی انتظار آن را نداشته است. در حمایت از این اعتصاب غذا ۲۵ زندانی سیاسی دیگر دست به اعتصاب غذا زده اند. و اطلاعیه های نهادهای کارگری از این فعال کارگری و در خواست آزادی او نشان از همبستگی دارد که کمتر در این گستردگی وجود داشته است. البته بازگرداندن رضا شهابی به زندان می تواند خطر جانی جدی و ایجاد سناریویی شبیه شاهرخ زمانی را برایش تهیه کرده باشند. به همین دلیل در اینکه رضا شهابی احتیاج به رسیدگی پزشکی دارد و بایستی به فوریت و بدون هیچ قید وشرط آزاد شود،نمی تواند توطئه های رژیم اسلامی را برای انجام سناریو **بقیه در صفحه پنجم**

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

عدول از حاکمیت ...
بقیه از صفحه اول

طبقاتی از سطح ابتدائی فامیلی، ایلیاتی، برده داری تا تشکیل دولتهای فئودالی ارباب رعیتی، مناطق امیر و سلطان نشین و کشورهای سلطنتی تا حد گسترش یافته ی امپراتوریهائی درضمیمه ساختن هرچه بیشتر سرزمینهای نزدیک و دور به خود، تبدیل بخش عظیم ساکنان جهان به زیر مستعمره کشورهای پیشرفته در حاکمیت نظام سرمایه داری، واقعیات انکارناپذیری هستند. هرگونه خیالبافی بدون از بین بردن طبقات استثمارگر و دفاع از جامعه بدون طبقه امروز خدمت به تداوم نظام طبقاتی می باشد که مردم جهان هم اکنون شاهدآنند.
طبق تحلیل همه جانبه ی علمی خصوصیات تکامل جوامع انسانی جهان که به صورت ماتریالیسم تاریخی در تئوری کمونیسم علمی توسط مارکس و انگلس بررسی شد. مراحل مختلف حاکمیت طبقاتی با روشنی بی نظیری بوجودآمدن طبقات و مبارزات طبقاتی حاکمان مالکان خصوصی بروسایل تولید و توزیع و مبادله، و اکثریت فاقد مالکیت خصوصی تولید کننده و خدمات دهنده مناسبات و روابط جوامع بشری را اثبات کردند. از آن تاریخ بدون تعهد به اصول علمی مبارزه طبقاتی، بدون شناخت دقیق سیاستهای طبقات مختلف در جریان این مبارزات، بدون ارائه ی سیاستهائی که دراین زمینه ها به پیشروی و نفوذ یابی قدرتمندی همراه نباشد، جدائی نیروها دراین حرکتهای غیرعلمی از اردوی مبارزاتی طبقه کارگر بیرون افتاده و با پیاده نکردن رهنمودهای اثبات شده ی طبقه کارگر در زُمرَه خدمتگزار به خرده بورژوازی و بورژوازی قرار می گیرند.
مقوله های اجتماعی اثبات شده علمی و تعیین کننده به طور فشرده عبارتند از:
۱)- بوجود آمدن مازاد تولید، تقسیم کار، تشکیل خانواده، مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله متکی بر استثمار و ستم، جوامع به طبقات مختلف در ستیز بایکدیگرتقسیم شدند؛
۲)- اولین واقعیت ناشی از چپاول ثمرات کار اکثریت بی چیزتولید کننده توسط اقلیت ثروتمند، تضاد بین این دو طبقه از ابتدا آغاز شد. زیرا دوران کمونهای اولیه همکاری و تعاون مشترک انسانهای برابر با یکدیگر، مشخص شده بودند. پس از گذار جوامع به دورانها نابرابری اجتماعی و مشخصات طبقاتی درکلیه ی دورانهای گذشته، حق خواهی حقوق پایمال شده ی اکثریت توسط اقلیت مالک و امتناع اقلیت در احترام به خواستهای این توده ها به خاطر انباشت هرچه بیشتر ثروت، بوجود آمدن ازخودبیگانگی در جوامع بشری، مبارزه بین این طبقات شروع شد و هنوز هم ادامه دارد؛
۳)- اقلیت ثروتمند در تمام جوامع موجود بشری برای حفظ موقعیت برتر خود و برای ایجاد نظمی که درآن جوامع دربرابر مبارزات قهرآمیز طبقات مختلف استثمارشده علیه ثروتمندان، چون برتری خویش را در ازدست دادن ثروت درخطر می دیدند، نیاز به ایجاد دولت به منظور قرار گرفتن در راس جوامع مطیع خواستهای اقلیت ثروتمند و سرکوب مبارزات حق طلبانه اکثریت جنبه ای "قانونی" پیدا کرد؛
۴)- بدین ترتیب تا زمانی که در جوامع بشری، طبقات حاکم و محکوم وجود داشته باشند، مبارزه طبقاتی بین حاکم و محکوم ادامه خواهدیافت. از نظر تحمیل مناسبات بین افراد در هر جامعه به نفع حاکمان – یعنی اعمال دیکتاتوری از جانب اینان – جوهر اصلی علت وجود دولت می باشد. اما ازبین بردن این دیکتاتوری منوط به ازبین بردن تمام و کمال برقراری مناسبات مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و توزیع و در نتیجه ازبین بردن دولت خدمتگذاربه مالکان حاکم، تبدیل این مالکیت خصوصی از بزرگ تا کوچک به مالکیت اجتماعی که امری درازمدت است به علت مقاومت مالکان در حفظ این مناسبات، امری اجتناب ناپذیرمی باشد. زیرا علاوه بر سطوح مختلف مالکیت در ۳ عرصه ی بزرگ، متوسط و کوچک، مدافعان وابسته و معتقد به این نظام استثماری، عوامل دیگری نظیر فردگرائی، سنت گرائی و عدم پذیرش مناسبات نو و مقاومت در حفظ مناسبات کهنه و ازخودبیگانگی انسانها، در حرکت پیشروانه ی جوامع بشری به سوی جهانی آزاد، آباد، مرفه، بدون تمایز و آماده تغییرمتعالی، سرسختانه تا حد توطئه و جنگ گام می گذارند؛
۵)- هم اکنون که طبقه کارگر برای از بین بردن نظام مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و از بین بردن طبقات حاکم و محکوم و متعاقب آن دولت طبقاتی مبارزه می کند، از روز اول سرنگونی دولت سرمایه داری، و از بین بردن هرگونه دولتی ولو کارگری، خیالبافی محض است که نظام دولت استثمارگر و ستمگر، طبق پیشنهاد آنارشیستها با یک فرمان از بین می رود و جامعه بدون دولت و بدون طبقه، بدون نیروهای سرکوبگر، برپا می شود.
۶)- تاریخ مبارزات طبقاتی نشان داد که طبقات درسطوح مختلف بزرگ، متوسط و کوچک علیرغم شکست شان با پیروزی انقلاب کارگری در ساختمان سوسیالیسم، دست از مقاومت علیه این حاکمیت جدید بر نمی دارند. به علاوه نظام سرمایه داری جهان در مخالفت با این دولت کارگری به حمایت از ضدانقلاب در کشور سوسیالیستی بر می خیزند. به علاوه، انقلاب کارگری هم به طور هم زمان در کشورها صورت نمی گیرد. مگر نه این است که حدود ۲۰۰ کشور موجود در جهان با پیروزی انقلاب دریک کشور که تنها نیم در صد این کشورها را تشکیل می دهد در محاصره اقتصادی، سیاسی، تجاری، نظامی و مداخلات آشکار ضدانقلاب جهانی وغیره قرار می گیرند. این هم بطور اثبات شده جلو چشم همه در۴۰ سال اخیر قرار دارد که کشورهای سوسیالیستی نو پا و شکست دولتهای سوسیالیستی را فراهم ساختند. حتا درتاریخ نیز چنین رقابتها روی داده اند. در دوران به قدرت رسیدن نظام سرمایه داری، و اعلام جمهوری دموکراتیک بورژوائی ازجمله در فرانسه بعد از انقلاب ۱۷۸۹، در اثر مقاومت مدافعان دوران فئودالیسم، سلطنت طلبان به قدرت رسیدند و تنها در انقلاب ۱۸۴۸ یعنی بعد از ۶۰ سال دست به دست شدن حاکمیت نظام سرمایه داری بالاخره دولت بورژوائی تسلط یافت؛
۷)- نظام سرمایه داری با ترفند دموکراسی پارلمانی و ایجاد احزاب مختلفی که احترام به قانون اساسی دولت بورژوائی داشته باشند، با نوسانات مختلف توانستند تحت لوای "دموکراسی" انتخاباتی برای همه ی شهروندان که چیزی جز اعمال "دموکراسی بورژوائی" نبوده است، قدرت دولتی را در دست حاکمان این نظام حفظ کنند. تجارب هزاران ساله دولتها نشان داده که دموکراسی مافوق طبقاتی و برای همه در جوامع تقسیم شده به طبقات، و دولت تمام خلقی دروغ تاریخی هزاران ساله است. اما طبق موضع کمونیستی علمی و از بین بردن رقابت طلبی های بورژوائی و خرده بورژوائی و فئودالی، ایجاد حزب کمونیست واحد در هرکشور، جهت رهبری کارگران و زحمت کشان در به پیروزی رساندن انقلاب کارگری اثبات شده و هرگونه امتناع از این دیدگاه علمی در مبارزات سیاسی، تسلیم شدن به رقابت گری احزاب بورژوائی و خرده بورژوائی و ناتوانی در تحقق انقلاب کارگری می باشد؛

علیه شکنجه علیه اعدام

۸)- پس طبقه کارگر برای ازبین بردن نظام مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله در یک کشور و برقراری دولت کارگری، تا زمانی که نظام طبقاتی در جهان جنبه غالب را داشته باشد، نیاز به دفاع سرسختانه از حفظ دولت خود دارد که دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا می باشد. فرق این دیکتاتوری با دیکتاتوری سرمایه داران درآن است که ۸۰٪ یا بیشتر کارگران و زحمت کشان ساکن در کشور سوسیالیستی به آزادی بی قید و شرط درحفظ این نظام پیشرو می رسند و با انجام دموکراسی شورائی بالاترین و پیشروترین نوع دموکراسی بشری، از نظر آزادی عقیده، بیان، تشکل، تظاهر داشته و کنترل کارگری را برای جلوگیری از هرگونه سوء مدیریت، سوء استفاده از موقعیت کاری و غیره حتا تا سطح عالیترین مقام دولتی به عهده خواهندگرفت. این دموکراسی پرولتری برای اکثریت است که هیچگاه در دموکراسی سرمایه داری تحقق نیافته و دموکراسی بورژوائی درخدمت اقلیت در چارچوب اعمال دیکتاتوری براکثریت پیوسته حاکم بوده است؛

۹)- در جامعه سوسیالیستی علاوه برآزادی بی قید وشرط درمحدوده ی سوسیالیستی، کارگران و زحمت کشان، ضمن برخورداری از آزادی عقیده و بیان، حق تشکل و تظاهر، ولی بقایای استثمارگران و ستمگران سابق مخالف سوسیالیسم و مدافعان آنان حق آزادی عقیده و بیان داشته ولی بدون حق تشکل و تظاهردر دفاع از نظام سرمایه داری، خواهند داشت. زیرا اینان با سازماندهی خود برای برگشت دادن کشور پیش رفته کارگری بدون استثمار و ستم به سوی جامعه سرمایه داری فرصت می یابند و دولتهای مرتجع جهان به کمک آنان می پردازند. دادن تمامی این حقها به این اقلیت مرتجع نظیر آن است که امکان به مدافعان سابق نظام سرمایه داری داده شود که در تلاش برای نابودکردن نظام سوسیالیستی می باشند؛

۱۰)- بدین ترتیب، با بروز انقلاب کارگری در کشورهای جهان و تعمیق مناسبات سوسیالیستی درهرکشور، و یا ازبین رفتن طبقات و مبارزه طبقاتی هم دولت طبقاتی و هم دموکراسی طبقاتی تدریجا زایل شده و زمینه برای گذار به جامعه کمونیستی فراهم می شود که درآن دولت جنبه صرفا خدمتگذار به ساکنان کشور، اداره امور، عدم مداخله درامور ساکنان کشورهای دیگر، ازبین بردن تمایزات فیزیکی و فکری، محدودیتهای روابط انسانی اعم از مرد و زن بودن، نژادهای مختلف بودن، برسمیت شناختن عقاید دینی و غیردینی، آموزش بالابردن درک و حرکتهای انسانی متکی بر آگاهی علمی براساس در نظرگرفتن منافع عمومی، مقام برتری را پیدا خواهدکرد؛

۱۱)- امروز کسانی پیدا شده اند بدون پای بندی به این تجارب هزاران ساله ی بشری، با سیر و سیاحت در افکار التقاطی موجود در عرصه های اجتماعی و با قرارداشتن تحت تاثیر دید و تزلزل نظری خرده بورژوائی و درک غیرعلمی و یک جانبه از آموزشهای تئوری کمونیسم علمی، تمام تلاش خود را به کار انداخته اند تا با نفی دیکتاتوری پرولتاریا، با نادیده گرفتن جنگ مرگ و زنده گی بین نظام سوسیالیستی با نظام سرمایه داری، با قیافه ای حق به جانب به مثابه روشنفکران به ظاهرمتعهد به کمونیسم، برای گول زدن مردم و نفی مبارزه طبقاتی کارگران تا به آخر، آگاهانه و یا ناآگاهانه در نشان دادن درک تخیلی خود، به تداوم سوسیالیسم خرده بورژوائی خدمت می کنند؛

۱۲)- این روشنفکران در ۱۷۰ سال اخیر، ضمن تایید گرفتن از حاکمان سرمایه، طبقه کارگر کشورهای پیشرفته امپریالیستی را در تبدیل به طبقه ای رفرمیست موفقیتی کسب کرده و حتا امپریالیستها برای استفاده از آنان و شرکت دادن آنان در دولت سرمایه داری، توانسته اند در عدم پیشروی انقلاب کارگری دراین کشورها سنگ اندازی کنند. اما با توجه به وضعیت ایران و حاکمیت مافوق خشن سرمایه داری، روشنفکران نمی توانند به ضدیت آشکار با مبارزات طبقه کارگر در تلاش برای ساختن سوسیالیسم بپردازند. لذا هم خود را مارکسیست نشان می دهند و هم با توسل به رفرمیسم سوسیال دموکراسی، آنارشیسم نفی دولت – ملت، با سازمانیابی سندیکائی و رفرمیستی، تشویق بقای تشکلهای مختلف سیاسی و فرقه گرائی، مبارزه انسانی به جای مبارزه طبقاتی و غیره، جوّ "همه با هم" را تقدیس می کنند؛

۱۳)- ازجمله در شرایط ویژه ای که در روژئاوای کردستان سوریه مبارزه به خاطر کسب "حق ملت کرد در تعیین سرنوشت خویش" موجود است و تا حدی زنان کرد را به دفاع از این حق بسیج کرده اند و هنوز نه صاحب دولتی شده اند، نه مسئله مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله موجود در آن منطقه را معین ساخته اند، تئوری سازی و نمونه سازی روژئاوا را نشانه نفی دولت – ملت دانسته و سطحی دیدن واقعیتها را دربرابر دیکتاتوری پرولتاریا قرار می دهند. در کردستان عراق شاهد آن هستیم که درمبارزه علیه دیکتاتوری دولت مرکزی بغداد و کسب حق تعیین سرنوشت، هزاران جوان مبارز پیشمرگه توده های مردم کرد جان باختند و نتیجه اش به میلیاردرسازی کرد، به رگباربستن کارگران اعتصابی، به ستم نسبت به زنان و رواج مردسالاری، به پایان ندادن فقر و فلاکت اکثرملت کرد منجرشده که نشان می دهد حق اکثریت کارگران و زحمت کشان کرد پایمال می شود. ستایش کنندگان از وضعیت روژئاوا موقعی دست به زبان و به قلم می زنند و دیکتاتوری پرولتاریا را نفی می کنند که حرفی درمورد موقعیت مبارزاتی کارگران و زحمت کشان کرد و دستاوردهای آنان دراین مبارزه هم قادر نیستند دو کلمه بگویند و بنویسند!!؛

۱۴)- بدین ترتیب نفی "دولت – ملت" به مفهوم نفی دولت کارگری و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا بر مدافعان و بقایای استثمارگر و ستمگر، معنائی جز ضدیت با کمونیسم علمی ندارد: لنین با این نظرات پس از کسب قدرت دولتی نوشت: " افراد بیهوده می کوشند چیز کاملا ویژه ای ازخود اختراع نمایند و از فرط تلاش درفضل فروشی وضع مضحکی پیدا می کنند. همه می دانند که توده ها به طبقات تقسیم می شوند؛ - که توده ها و طبقات را تنها وقتی می توان در نقطه مقابل یکدیگر قرارداد، که بطورکلی اکثریت عظیمی را، بدون اینکه برحسب مقام درنظام اجتماعی تولید قطعه قطعه شده باشد، درمقابل کاتگوریهائی قرار دهیم که مقام مخصوصی را در نظام اجتماعی تولید احراز می نمایند؛ - که طبقات را معمولا و دراکثرموارد، لااقل درکشورهای متمدن معاصر احزاب سیاسی رهبری می نمایند؛ - که احزاب سیاسی طبق معمول توسط گروهها ی کم و بیش ثابتی از بااتوریته ترین، متنفذترین و مجربترین افرادی که برای پرمسئوولیت ترین مقامات انتخاب می گردند و پیشوا نامیده می شوند، اداره می گردند. همه اینها الفباء است. بجای این مطلب ساده چه احتیاجی بیک چنین قلمبه گوئی و مغلق گوئی بود؟ از یک طرف افراد هنگامی که تبدیل سریع حالت علنی و غیر علنی حزب مناسبات معمولی و عادی و ساده پیشوایان و احزاب و طبقات را برهم زده است گرفتار وضعیت سختی شده و سر درگم گشته اند".(لنین - آثارمنتخب دریک جلد- بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم – فصل ۵:کمونیسم "چپ" درآلمان. پیشوایان – حزب – طبقه – توده) و یا

" اگر وظیفه تاریخی اول (یعنی جلب پیشاهنگ آگاه پرولتاریا بسوی حکومت شوروی و دیکتاتوری طبقه کارگر) را نمی شد بدون پیروزی کامل مسلکی و سیاسی بر اپورتونیسم و سوسیال شووینیسم انجام داد، وظیفه دوم را نیز که اکنون جنبه ی مبرم بخود می گیرد و عبارتست از توانائی نزدیک ساختن توده ها به وضع جدیدی که قادرباشد پیروزی پیشاهنگ را در انقلاب تامین نماید، نمی توان بدون از بین بردن آئین پرستی خشکمغزانه چپ و بدون رفع کامل اشتباهات آن و خلاصی از این اشتباهات انجام داد.(همانجا – فصل ۱۰ - نتایجی چند)؛

۱۵)- نظر نفی دولت – ملت از آن جمله سردرگمی هاست که از ابتدای سرنگونی دولت سرمایه داری توسط پرولتاریا با این دفاع آنارشیستی نفی دولت کارگری دفاع از بازماندگان نظام سرمایه داری، مخفی شدن در پشت دموکراسی مافوق طبقاتی بورژوائی نداشته و به بقای نظام سرمایه داری گام نهاده هرچه بیشتر در اعمال بربریت فاشیستی در مبارزه با نظام سوسیالیستی خدمت خواهدکرد که مورد نقد لنین واقع شده اند.

ک.ابراهیم

مرداد ۱۳۹۶ (۱۷ اوت ۲۰۱۷)

★

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر وتوده ها

استقلال کذایی ... بقیه از صفحه اول

سابق، با تجزیه هرچه بیشتر به مناطق نفوذی کوچک ترو با تحمیل سیاست تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی شرکتها، سیاست نفوذی هر چه بیشتر را درهر منطقه پیش می برند که کوچکترین ربطی به رهائی ملی هر ملیتی نداشته و درعین حال به دلیل مقاومتهای موجود که نتوانستند تقسیم افغانستان، عراق، سوریه به حداقل ۳ بخش با هر دو حرکتهای ملیتی و کشوری کنار آمده و سیاستهای نواستعماری پُست مدرن را درنظر بگیرند. تلاش دولتهای مذهبی، ملی نظیر دولت اسلامی عراق و شام(داعش) و یا دولت مستقل اقلیم کردستان عراق، تماما گرفتار بازی نفوذی امپریالیستها و صهیونیستها می باشند.

متقابلا بورژوازی حاکم بر کشورهای موجود به ویژه در ترکیه و ایران، نه به خاطر احترام به حقوق ملی ملیتهای ساکن در این کشورها، بلکه به خاطر حفظ حاکمیت خویش می باشند، بعضا نظیرآنچه که قرار است توسط دولت اقلیم کردستان عراق درمورد رفراندوم خواست استقلال از عراق در ۲۵ سپتامبرامسال صورت گیرد، مخالفت حاکمان عراق، ایران و ترکیه در هشداردهی به تصمیم دولت اقلیم کردستان، اساسا به دلیل منافعی است که حفظ وضع موجود را به نفع حاکمان سرمایه داراین کشورها می دانند.

در هیچ یک از این دو تلاشهای کشورهای امپریالیستی، کشورهای سرمایه داری چند ملیتی کشوری و ملیتهای «استقلال طلب» به هیچ عنوان ربطی به رهائی اکثریت عظیم هر ملیتی درخدمت رهائی کارگران و زحمت کشان دراین منطقه ندارد. نمونه ی کلیه کشورهای موجود درخاورمیانه دال بر این حقیقت است نظامهای سرمایه داری، راهی جز تلاش برای انباشت و تمرکز هرچه بیشترسرمایه چه خصوصی و چه دولتی به منظور چپاول افسارگسیخته ی نیروهای یدی و فکری و منابع موجود نظیر ذخایر نفت و گاز و دیگر معدنهای ارزشمند نظیر مس و بخصوص فلزات کمیاب مورد استفاده تکنیک اطلاعاتی، ندارند.

بنابراین، تنها آلترناتیو مترقی و پیشرو و رهائی بخش کامل ملیتهای فردی و ملل موجود در هر کشوراین منطقه نزدیک دو قرن توسط رهبران کمونیست طبقه کارگر جهان تحت عنوان «کارگران کشورهای مختلف، متحدشوید»، و سپس «کارگران جهان و ملل تحت ستم متحدشوید» حق تعیین سرنوشت را در هماهنگی احترام متقابل ملل با یکدیگر تحت هدایت طبقه کارگر این ملل، ازبین بردن ازخودبیگانگی درعرصه های اقتصادی، ملی، مذهبی، جنسیتی، نژادی، فرهنگی و غیره راهی است که برای همیشه رهائی این ملیتها و ملل از زیر یوغ امپریالیستی و سرمایه داران کشوری و ملی رها ساخته و زنده گی مملو از آزادی و رفاه و برابری و دوستی را در جوامع سوسیالیستی فراهم می سازد.

تا زمانی که عدم آگاهی از منافع راستین ملل مختلف در تحقق این آینده تابناک فراهم نشده و شووینیسم ملی و یا تحمیل ملت واحد در اعمال شووینیستی به دیگر ملیتها حاکم باشد، جز کشت و کشتار، جز ویرانی و فقر، جز بازیچه دست امپریالیستها، جز نظیر آن چه که امروزشاهد شکار انسانهای زحمت کش معروف به کولبربا شقاوت تمام جریان دارد، ادامه خواهد یافت. با درنظر داشتن این واقعیتها رهائی و درعین حال هدایت رسیدن به آزادی در دست طبقه کارگر و کمونیستهای ملل مختلف است که به این وظیفه ی تاریخی جواب انقلابی پیشرو را نشان داده و با تکیه به نیروی عظیم کارگران و زحمت کشان متحقق سازند.

ک.ابراهیم

۲۳ شهریور ۱۳۹۶

(۱٤ سپتامبر۲۰۱۷)

★

آموختن از جانباخته گان ... بقیه از صفحه اول

هم اکنون ، علیرغم دست و پا زدن در بحران اقتصادی – سیاسی و شدت یابی بیش از پیش نفرت مردم از آن، برای حفظ خود حاضر به از بیرون کشیدن چنگالهای خون چکانش از بدنهای مجروح انسانهای حق طلب و آزادی خواه نبوده و عقب نشینی از جنایات گذشته اش نمی باشد. طی این ٤ دهه، دهها هزار انسان سیاسی ضد رژیم و یا صاحب عقیده مخالف حاکمان، با دار زدن در خیابانها و وحشت انداختن درمیان توده ها، با مخفیانه کشتن مبارزان کمونیست و آزادی خواه در زندانها و حتا در اتاق بندهای زندانها و شکنجه گاهها، با نشان ندادن جسدهای شکنجه شده به خانواده ها و ایجاد گورستانهای جمعی مخفی برای لاپوشانی جنایاتشان و غیره که بعد از ۳۰ سال از گذشت این جنایات محل قبر این

عزیزان درحال جست و جوی خانواده های داغدیده، امتناع می شود. این تجاوزات به حدی افسار گسیخته و ضدانسانی انجام داده و می دهند که امروز علاوه بر خانواده های زندانیان اعدامی و توده های مردم ایران، بسیاری از جهانیان نیز با اطلاع از این جنایات هولناک، اخیرا دست به اعتراض به زندانی نمودن بیش از ۲۰ کارگردرحال اعتصاب غذا زده، و به دفاع از آزادی آنان پرداخته اند.

هم اکنون بیش از ۲۸ روز است که این کارگران مبارز در اعتصاب غذا و اعتراض به رژیم در زندانی کردن آنان وممانعت آنها در دفاع از حقوق پایمال شده شان حتا در حد ایجاد سندیکای کارگری، علیه حاکمان مبارزه می کنند، درمیدان نابرابر اسیربودن ارکان استبدادی حاکم را به محاکمه کشانده اند. بنا براین، بزرگداشت و یاد جانباخته گان زندانیان سیاسی ایران، نظیر مراسم مذهبی نبوده، و ضروری است با آموختن از مبارزات متحد و یک پارچه آنان، امروزه در عمل با قاطعیت تمام به سطح وحدت کمونیستها و اتحاد استثمارشده گان و ستم دیده گان در سندیکاها و فدراسیونها حرکت کرده و زیر پرچم براندازی نظام فاسد و ارتجاعی سرمایه داری یک دل و یک جان گردهم آئیم.

بزرگترین قصاص تاریخی از مدافعان، مجرمان و مجریان منحوس نظامهای طبقاتی هزاران ساله تا به امروز، در گرو براندازی این نظامهاست. وگرنه با دادگاهی کردن عاملان اصلی جمهوری اسلامی انتقام از جنایات بی حد مرتکب شده ی آنان کافی نخواهدبود. زیرا اگر این نظام با دست به دست شدن آن با دیگر نیروهائی از قماش خدمت گزارسرمایه بزرگ و کوچک بیافتد، ظلم و ستم نه تنها درایران بلکه درکل جهان ادامه خواهد یافت و لذا انتقام تاریخی با براندازی نظام طبقاتی سرمایه داری درایران و نابودی کامل جامعه ی طبقاتی در جهان معنای واقعی می یابد.

اگرمصمم به ادای احترام به جانباخته گان زندانی و تسلی قلب بازمانده گان خانواده های آنان هستیم؛ اگرمتعهد به دفاع ازحقوق نیروی کار فکری و یدی چپاول شده هستیم؛ اگربه زنده گی شایسته و زیبای کودکان در پایان دادن به گرسنه ماندن آنان متعهد باشیم؛ اگر مایل به ازبین بردن نا عدالتیها، اعمال زور، سرکوب و شکنجه و اعدام انسانها هستیم؛ اگر رهائی نیمی از بشریت را به حکم زن بودن خواهانیم که در آتش نابرابریهای مردسالاری نسوزند و انسانهای مبارز شرمسار از این تجاوزات برای رهائی زنان پیکار کنند و با جان و دل بکوشند؛ بهترین محاکمه ی مدافعان نظام طبقاتی سرمایه داری درگرو سلب مالکیت و واداشتن مفتخوران مالک و سرمایه دار به کارتحت حاکمیت دولت کارگری است تا بفهمند چه ظلمی درخدمت به منافع وخود پرستیهای خودی، نسبت به کارگران و زحمت کشان انجام داده اند.

حزب رنجبران ایران ضمن گرامی داشت جانباخته گان راه آزادی و رهائی کارگران و زحمت کشان زندانی و هم دردی با کلیه ی خانواده های آنان، خواهان به عمل درآوردن مبارزات مشترک ومتحد زندانیان سیاسی، بوده واز تمامی این عزیزان می خواهیم تا گرد پرچم انقلابی طبقه کارگر فرقه گرایان را طردکرده و در صف واحد ومتحدی نظام طبقاتی حاکم برایران را از بیخ و بن براندازند.

گرامی باد یاد مبارزات متحد و تا به آخر زندانیان سیاسی قربانیان ۳۰ سال اخیر!

با آموختن از این مبارزات برای سرنگونی نظام حاکم و برقراری سوسیالیسم تلاش کنیم!

پیروزباد مبارزات به حق کارگران در تشکل یابی و رهائی از استثمار و ستم !

رمز پیروزی این مبارزات درگرو وجود حزب رهبری کننده پیشرو طبقه کارگر است!

آزادی بدون قید و شرط فوری کارگران و دیگر زندانیان سیاسی خواستی انقلابی است!

حزب رنجبران ایران
۱۲ شهریور ۱۳۹۶
(۳ سپتامبر ۲۰۱۷)

اعتصاب غذا.. بقیه از صفحه اول

های جنایتکارانه توجیه کند. مسئولیت جانی رضا شهابی مستقیما به عهده رژیم جمهوری اسلامی است و این رژیم باید جوابگوی اعمالش در دادگاههای مردمی باشد. رژیم جمهوری اسلامی می تواند در فقر و فاقه ای که برای کارگران و زحمتکشان در ایران بوجود آورده است هنوز از سلاح زندان و شکنجه و اعدام و توطئه استفاده کند. اما این سلاح عملا در حال زنگ زدن است. آگاهی توده ها و به صحنه آمدنشان باعث کند شدن بی خاصیت شدن آن شده است . وقتی دهها زندانی سیاسی متحدانه در برابر یک رژیم تا دندان مسلح و مرتجع می ایستند و نه می گویند ، وقتی دهها اتحادیه و سندیکا و نهادهای مترقی جهانی در دفاع از رضا شهابی و دیگر اعتصابیون به رژیم ایران اعتراض می کنند، وقتی همسر رضا شهابی بدون ترس از تهدیدات رژیم همه نیروها و افراد عدالت خواه را فرا می خواند که در اعتراض به نگه داری بدون دلیل همسرش با او همراه شوند و بالاخره وقتی سندیکای شرکت واحد ودیگر تشکلات کارگری در ایران بصورت متحد صدای اعتراض خود را در زیر حکومت اختناق و شکنجه و اعدام بلند کرده اند. شاید آهسته اما صدای پاهای پر صلابت مبارزه متحد علیه رژیم اسلامی سرمایه نزدیکتر و قدرتمندتر بگوش می رسد. مبارزه ای که شروع شده است و پرچم دار آن نه تنها یک فعال کارگری بلکه جنبش کارگری و حتی توده ای می باشد ،بازتاب وضعیت واقعی بین رژیم و کارگران و زحمتکشان ایران است.از نکات مهم این جنبش این است که اگر در گذشته شخصیت های اجتماعی غیر کارگری موضوع مهم در حمایت از زندانیان سیاسی بودند ولی امروز اکثر فعالین کارگری به موضوع اصلی مبارزه بدل شده اند .آما با رویدادهای پیش آمده مهم انست که در سهای آنرا جنبش کمونیستی و مدافعین طبقه کارگر به درستی جمع بندی نمایند. امروز ۳۰ روز از اعتصاب غذای رضا شهابی می گذرد نیمی از بدن او از کار افتاده است و از وضعیت جسمی وخیمی برخوردار است. ما خواهان آنیم که رضا شهابی به اعتصاب غذای خود پایان دهد. ما بشدت نگران وضعیت جسمی و امنیتی او هستیم .رضا شهابی بعنوان یک فعال کارگری تلاش های بی وقفه ای را برای تشکل یابی و سازماندهی رانندگان اتوبوس متشکل در سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه انجام داده است. کینه و نفرت رژیم هم نه یک کینه فردی نسبت به رضا شهابی بلکه خشم و کینه ای کاملا طبقاتی و از موضوع سرمایه داری حریص ،هار و ضد کارگر است اسلامی است که امروز به طرف رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی در حال اعتصاب غذا ریخته می شود.رضا شهابی به همراه بقیه زندانیان سیاسی نه تنها باید بدون قید و شرط آزاد شوند .بلکه رژیم بایستی حق تشکل های کارگری و اجتماعی مستقل از دولت را به رسمیت بشناسد و به قانون های شناخته شده بین المللی

از درخواست های محقانه اعتصابیون غذا در ایران حمایت کنیم

در رابطه با حقوق زندانی تن در دهد آنهم نه تنها بصورت امضاء در پای عهدنامه ها و مقوله های مربوط ، بلکه در قانون و عمل اجتماعی.تجربه سال های جنبش کارگری نشان داده است که حق گرفتنی است و نه دادنی و جنبش کارگری آنچیزی را که تاکنون بدست آورده است با مبارزه پیگیر و دادن صدها زندانی ، شکنجه شده و اعدامی قدم به قدم به رژیم تحمیل شده است. ادامه و پیگیری و تثبیت این مبارزات به جنبش کارگری و فعالین آن و نیز به تاثیر جنبش کمونیستی و ارتباط متقابل آن دو باهم گره خورده است .

گسترش تشکلات کارگری ، سازماندهی تشکل مخفی و نیمه مخفی و بوجود آمده حزب کمونیست واحد و سرتاسری راهی است که بدون آن جنبش کارگری می تواند به اعتراضات و مبارزه خود با سرمایه ادامه دهد و نمی تواند آنرا به نتیجه که امحاء استثمار و ستم و در قدم اول سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه است برساند.

ع.غ

به مناسبت کشته شدن شاهرخ زمانی۲۲ /۹۴/۶ به بهانه کوبانی !!! – ۱۳۹۳/۸/۴

کوبانی اکنون اسطوره اراده انقلابی و سنگر مبارزه و مقاومت در برابر بربریت جناح های مختلف سرمایه داری است که می خواهد حق تعیین سرنوشت خود را حفظ کند. و لشگرکشی و تجاوزمستقیم و راه اندازی جنگ نیابتی توسط سرمایه داری است که حربه ی جنگ و فاشیسم، دو لبه شمشیر سرمایه داری بحران زده، برای مقابله با انقلاب و حاکمیت کارگری است.؟؟؟

با تشدید بحران ساختاری و فروپاشی اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری، بیکاری، فلاکت عمومی و ناامنی اجتماعی به اوج خود رسیده است، با مالکیت خصوصی چند شرکت فراملیتی در عرصه تولید و کل منابع کره خاکی و انباشت نجومی سرمایه و رشد سریع تکنولوژی به علت ماهیت بهره کشانه ی سیستم حقوق بشری و علیرغم اینکه تولید از سال ۱۹۵۰ سی و هشت برابر، در مقابل رشد ۲/۵ برابری جمعیت افزایش یافته است، ولی نه تنها چیزی از این افزایش تصاعدی تولید نصیب کارگران که تولید کنندگان این افزایش و مزد بگیران نشده است، بلکه همین افزایش و انباشت نجومی سرمایه طبق گفته مارکس باعث فقر و فلاکت و تشدید چندین برابر استثمار گردیده است، برای اثبات این گفته و علمی بودن گفته های مارکس می توان به اعترافات اخیر بانکی مون استناد کرد، بانکی مون می گوید: " ۱ میلیارد و ۲۲۰ میلیون نفر با کمتر از یک دلار و دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر با کمتر از ۲ دلار در روز در حال مرگ تدریجی هستند" و در جای دیگر طبق آمار جدیدی از سازمان ملل اعلام شد که یک درصد جمعیت جهان ۶۵ برابر بیشتر از ۵۰ در صد جمعیت جهان (۳/۵ میلیارد نفر) ثروت دارند.

در چنین اوضاعی تمام شعارها و وعده و وعیدهای فریب کارانه و کاذب حاکمان، اقتصاددانان ، فیلسوف ها و تئوریسین های سرمایه داری در مورد اینکه دولت های رفاه و سپس خصوصی سازی، بازار آزاد و تبلیغ اینکه عقب ماندگی و بحرانهای اقتصادی محصول دولت های رفاه است، و با تغییر آنها می توان، رشد را شدت بخشیده تا باعث کمتر شدن شکاف طبقاتی شود، برای طبقات ستمدیده رنگ باخته است، و تنها یک راه پیش رو دیده می شود آنهم حاکمیت طبقه کارگر و بر قراری سوسیالیسم است.

دیگر جنگ زرگری و تبلیغات مسموم کننده اربابان قدرت و ثروت در اینکه مسئله وجود شکاف طبقاتی و ظلم و ستم و ماهیت استثماری و ضد بشری موجود در سرمایه داری، ماهیت ذاتی سرمایه داری نبوده، بلکه حاصل ناتوانی مدیریتی می باشد، کاملاًشکست خورده و دروغ بودن آن افشا شده است، و دیگر نمی تواند سرمایه داری را نجات بدهد، تمامی رنجبران و ستمدیدگان به تنگ آمده از نابرابری و ناعدالتی با اعتراضات و اعتصابات خود لرزه بر اندام مستکبران (حاکمان سرمایه داری) انداخته و تغییرات ریشه ای انقلابی – اجتماعی به مسئله عاجل روز تبدیل شده است .

برای مقابله با چنین شرایطی (اعتراضات توده ها و ناتوانی سرمایه داری در ادامه حاکمیت خود) سرمایه داری جهانی (امپریالیسم) و سرمایه داری های داخلی دیگر تعارفات دمکراتیک در باب انتخابات آزاد و انقلابات مخملی و دمکراسی و دیگر الفاظ دهن پر کن دمکراتیک را کنار گذاشته اند، از یک طرف با لشگر کشی، تجاوزات آشکار و جنگ و از طرفی دیگر در اشکال دولتهای قرون وسطایی فاشیستی و گروه های بنیادگرای فاشیستی – مذهبی – ارتجاعی به سرکوب توده های مردم که می خواهند آزاد و انسانی زندگی کنند، می پردازند، تا نگذارند ستمدیدگان، کارگران و خلق های تحت ستم این نظام گندیده و کهنه را سرنگون کرده ضمن نجات خود سرنوشت اقتصادی – سیاسی خود را در دست گرفته و از دست این غده سرطانی(سرمایه داری) نجات یابند.

جنگ به عنوان ادامه سیاست در شرایط بربریت یا سوسیالیسم و فاشیسم در قالب آگاهی کاذب گذشته گرایی ارتجاعی – بنیادگرایانه برای فریب توده ها از مسیر انقلاب به عنوان دو روی سکه سیاست سرمایه داری در مقابله با انقلاب و حاکمیت شورایی دمکراتیک زحمتکشان در شرایط موجود استفاده می شود . سرمایه داری در حال سقوط از سه محور در حال مقابله با بحران موجود است :

۱- مقابله و سرکوب و جلو گیری با هر وسیله ممکن از ساخته شدن احزاب با اهداف صد در صد انقلابی به عنوان ستادهای فرماندهی انقلابات در کشورهای مختلف و ایجاد شدن انتر ناسیونال کارگران برای مقابله با بهره کشی و استبداد و برای بر قراری حاکمیت مستقیم و شورایی ستمدیدگان.

۲- اختلال در روند انقلاب از طریق اصلاحات در چهارچوب همان سیستم از طریق انتخابات یا به اصطلاح انقلابات مخملی برای حفظ بنیادهای بهره کشی بدون سرنگونی انقلابی.

۳- جنگ داخلی یا دخالت مستقیم نظامی مانند بهار عربی، یا میدان دادن و ساختن جریانهای بنیادگرایی فاشیستی، گذشته گرا و مرتجع در عین حال نفوذ و اختلال در روند انقلابات چرا که به قول لنین رهبر انقلاب کارگری: انقلاب نه تنها از آن رو ضرورت دارد، که از طریق دیگری نمی توان سرمایه داری را سرنگون کرد، بلکه از این رو نیز ضروری است، که طبقه ای که آن را سرنگون می کند، تنها در جریان یک انقلاب می تواند، در راه رها ساختن خود و تمامی بشریت، اثر گذاشته توفیق یابد و مهمتر اینکه برای بنیان گذاری جامعه نوین خود را آماده کند .

فقط در جریان انقلاب است که با اعتصابات سیاسی و اقتصادی جنبش واقعاًوسیع در سطح ملی ارگانها و تشکلهای سازمان دهنده این جنبش بنیان کن، یعنی کمیته ها و شوراهای انقلابی برای نابودی بهره کشی و دیکتاتوری سرمایه داری از طریق قیام پدید آمده و پس از ریشه کنی و سرنگونی انقلابی، این ابزار به عنوان ابزار اراده دمکراتیک و مستقیم از پایین، توسط

کارگران و ستمدیدگان به کار گرفته می شود، وحشت سرمایه داری دقیقاً از این محصول و عظمت انقلاب می باشد که بنیاد گرایی فاشیستی (جمهوری اسلامی) را مانند انحراف انقلاب ۵۷ و انقلابات مخملی را جایگزین انقلابات واقعی می کند تا خلق ها به حاکمیت و تعیین سرنوشت و توده های مردم به برابری و آزادی تحت حاکمیت طبقه کارگر نرسند .

۴- در کنار مسائل یاد شده برای مقابله با تشدید بحران ساختاری و روی آوردن سرمایه داری به کثیف ترین اشکال بهره کشی مانند سرمایه داری ربایی بانکی، پارتی بازی، اختلاس و دزدی، کار ارزان زنان و کودکان، فروش مواد مخدر و برده داری جنسی و مهمتر از اینها تسلط سرمایه داری انحصاری و کارتل های نظامی بر بازارهایی که در لشگر کشی و جنگ افروزی از طریق گروههایی که خود سرمایه داری تولید شان کرده است، به بهانه مقابله با آنها، با فروش نجومی تسلیحات نظامی در بیشتر مواقع سلاح های کشتار جمعی منطقه و کل جهان را میلیتاریزه کرده است. به آمار زیر توجه کنید تا حقایق واقعی از دلایل عربده جویی های سرمایه داری جهانی با بهانه های آزادی و دمکراسی را به عینه و دلایل واقعی تجاوزات نظامی به عراق، افغانستان، سوریه و ... را دریافت نمایید :

فروش ۵/۶ تریلیون دلار سلاح فقط از طریق آمریکا در جنگ افغانستان و عراق، با ایجاد رعب و وحشت از طریق یک گروه نهایتاً ۴۰ هزار نفری که آن را نیز خود سرمایه داری جهانی با برنامه ریزی آمریکا ساخته است، اما حاصل وجود آن باعث شده فروش ۱/۹ میلیارد دلار سلاح به عراق، ۱۱ میلیارد دلار به قطر، ۱/۷ میلیارد دلار به عربستان و ۹۰۰ میلیون دلار به امارات فقط در ۹ ماهه اول سال ۲۰۱۴ توسط امپریالیسم آمریکا صورت بگیرد، این آمار گویای واقعیت بسیار بزرگی است که آمریکا با ایجاد جنگ و نا امنی در منطقه طی ۹ ماه این مبلغ فروش داشته است. حال بررسی کنید ۲۰ سال جنگ در افغانستان، و ۱۴ سال جنگ در عراق باعث شده چه مبالغ هنگفتی از جیب مردم منطقه دزدیده شده به جیب سرمایه داران ریخته شود، تا سرمایه داری بتواند گلوی خود را از پنجه های بحران ساختاری نجات بدهد، توجه داشته باشید، سرمایه داری برای نجات خود از بحران ساختاری، میلیو نها انسان را به روشهای گوناگون از طریق جنگ، تحریم های اقتصادی (تنها در یک قلم ۱۵۰۰۰۰۰زن و کودک در تحریم غذایی عراق کشته شدند)، بیماریهای مختلف، بیکاری و ... قتل عام کرده و همچنان قتل عام می کند، حال فکر کنید اگر قدرتی در مقابل سرمایه داری حضور داشت و اجازه نمی داد، سرمایه داری برای نجات از بحران چنین لشگر کشی کند و این همه سلاح بفروشد صد در صد تا به این روز سر نگون شده بود، باید از خود بپرسیم چه قدرتی می تواند از لشگر کشی و تجاوزات سرمایه داری جلو گیری کند؟ مطمئن هستم فقط حزب انقلابی طبقه کارگر چنین توانایی را می تواند داشته باشد.

در خلاء رهبری انقلابی طبقه کارگر و آلترناتیو سوسیالیست کارگری این جنگ افروزی، برادر کشی، کشتار زنان، ویرانی زندگی و خانمان سوزی برای جلوگیری از انقلاب است. پیروز میدان فقط و فقط کارتل های چند ملیتی فروش سلاح می باشند.

طبقه ۲/۵ میلیاردی کارگران جهان به عنوان نیروی اساسی تولید و انقلاب در میان بشریت ۷ میلیاردی ستمکش جهان و تنها نیرویی که قدرت سرنگونی انقلابی سرمایه داری و برقراری حاکمیت سوسیالیستی را دارد که در مبارزه سرنوشت ساز خود می تواند بشریت را از این بربریت و توحش سرمایه داری نجات دهد، و برای همیشه به جنگ، کینه، فاصله و تضاد طبقاتی، گرسنگی و نابرابری پایان دهد .

تمام ستمدیدگان جهان فقط با گرد آمدن حول برنامه رهایی و رهبری طبقه کارگر به عنوان قاطع ترین، مبارزترین و پیشروترین نیروی تاریخ می توانند خود را از ظلم و جور و بی عدالتی سرمایه داری نجات دهند، برای ایفای چنین مسئولیت سنگین، کارگران باید با ارتقای آگاهی طبقاتی و وحدت و تشکیلات در سطح ملی و جهانی بر پراکندگی و ناآگاهی خود غلبه کرده و خود را برای انقلاب جهانی آماده کنند.

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری

درسی از فعالیت مبارزاتی مشترک روز

هم اکنون تشکلها و افراد آزادی خواه مختلف سیاسی و سندیکائی در دفاع از آزادی رضا شهابی و دیگر کارگران اعتصاب کننده غذائی و هم چنین آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، موج نسبتا وسیعی را در همبستگی با این کارگران مبارز، نه تنها در ایران بلکه درسطح جهانی علیه سرکوبگری دولت جمهوری اسلامی به راه انداخته اند. این واقعیت شرایط مساعدی را به وجود آورده تا در درجه ی اول کلیه نیروهای سیاسی کمونیست به موضع "کارگران متفرق هیچ و کارگران متشکل همه چیزند" بپیوندند و در پایان دادن به فرقه گرائی و بلند کردن پرچم وحدت کمونیستی جواب روشنی بدهند.

کمونیستهای راستین آنانی هستند که عمیقا تئوری و پراتیک جنبش کارگری آگاه را در براندازی نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری، درمیدان عمل محکم به دست گرفته باشند. این تئوری ماتریالیستی – دیالکتیکی با کیفیت علمی و انقلابی درمبارزه با انواع تحریفات تئوریکی، سیاسی، تشکیلاتی، سبک کاری و غیره بطور فشرده راه متشکل شدن درسطوح مختلف و تداوم مبارزه طبقاتی کارگران را روشن ساخته و مشخص کرده تا: براساس وحدت روی اصول کمونیسم علمی و با تکیه به آن در رسیدن روی وحدت در نکات اساسی برنامه و استراتژی و تاکتیک مبارزاتی جهت براندازی نظام سرمایه داری حاکم درایران در پیوند فشرده با کارگران کمونیست و دفاع از جنبشهای کارگری مستقل، زمینه را در ایجاد حزب رهبری کننده ی واحد کمونیست انقلابی ایران، فراهم سازند.

اگر این موج عملی و سیاسی به امر وحدت تشکیلاتی و تمرکز نیروی ذهنی و عملی واحد منجر نشود، به سان قطرات باران به هم نپیوسته ای خواهندشد که با اندکی جریان یابی محوشده و به رودحیات بخشی که در مسیر طولانی حرکتش مفید افتد، منتهی نمی گردد. درک این واقعیت مادی و دیالکتیکی به راحتی برای کارگران آگاه و متعهد به اصول کمونیسم علمی قابل درک و دفاع از آن است که به طور برجسته ای توسط کارگران کمونیست مبارز و جان باخته به عیان مطرح شده است.

درحالی که درمیان روشنفکران چپ که درک یک جانبه و خود خواهانه ی تفسیری و نه تحلیلی برای تغییر وضع کنونی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دارند، با تئوری سازیهای گوناگون و نا دقتی های خود احکامی صادر می کنند که فرسنگها از واقعیات روز بدورهستند. در این مورد نکات متعددی وجود دارد که نشان دهنده ی درجه ی حداقل تعهد آنان نسبت به این تئوری علمی می باشد: نظیر کم رنگ کردن نقش مداخله گرایانه ی امپریالیستی درجهان و حتا برخی پاک کردن وجود نظام امپریالیستی در تبلیغات که به ایجاد تشویش نظری طبقه کارگر و زحمت کشان منجر می شود. انکار "رژیم چنج" امپریالیستی که درسطح تلاش درایجاد دولتهای مطیع چه از طریق مسالمت آمیز انتقال قدرت ودست به دست شدن قدرت حاکمه با کمک به روی کارآمدن جناحهای دیگر سرمایه داری، و چه با توسل به زورهنوز هم ادامه می یابد. پررنگ کردن نقش حاکمان ضدانقلابی ایران، ترکیه و عربستان در امور منطقه به سودخویش و ندیدن سیاستهای نواستعماری امپریالیستها و در نتیجه به جای مبارزه علیه هر دو ضدانقلاب سرمایه داری جهانی و کشوری، استراتژی جنگیدن با آنان را، به حد سازش تقلیل می دهند.

این دو دید یک جانبه در مقابله با خط درست مبارزه هم با مداخلات امپریالیسم جهانی و هم برای سرنگونی حاکمان سرمایه داری ضدانقلابی منطقه؛ و یا نادیده گرفتن واقعیت طبقاتی بودن دموکراسی و ازجمله کسب حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و درشیپوراستقلال ملی دمیدن درمرحله ی جهانی شدن سرمایه، آن هم با رفراندوم زیرنظر بورژوازی حاکم هر ملتی که تنها خواست اش نشستن برگرده ی ملت خودی می باشد. کنارگذاشتن دفاع از نقش"کارگران کشورهای جهان متحد شوید!" تا زیرنظر دولت کارگری در هر کشور توسط کلیه کارگران متحد ملل مختلف در آن، استقلال واقعی از تجاوزات امپریالیستی و تعیین سرنوشت راستین خویش بهره مند شوند؛

همچنین زیر بار آموزش کمونیسم علمی تئوری طبقه کارگر نرفتن و بجای تلاش پیگیر در تحقق وحدت تشکلهای کمونیست در یک حزب، از طریق دعوت احزاب، سازمانها، هسته ها، محفلها و افراد، به دلبستن به مرکزیت تشکیلاتی خودی موجود و یا دعوت همه به زیر پرچم تشکلی از این تشکلها و مبارزه نکردن روی وحدت در اصول و نکات اساسی برنامه و تاکتیک کمونیستی، راه فرقه گرایانه ای به عمر خود ادامه می دهد و بورژوازی و خرده بورژوازی جهانی و کشوری منتها درجه خوشوقتند در ایجاد این تفرقه و با لطایف الحیل دموکراسی برسر نیروهای چپ کلاه گشادی گذاشته اند.

بدین ترتیب، باوجود مخالفت با وحدت کمونیستها دریک حزب، در شرایطی که اتحاد عمل از جمله در دفاع از کارگران زندانی و ابعاد وسیع یافتن این اتحاد عمل نشان دهنده ی آن است که اگر این اتحادعمل درسطح ایدئولوژیک – سیاسی – تشکیلاتی – سبک کاری به خصوص درمیان کمونیستها صورت گیرد، گام مهمی در رها نمودن جنبش کارگران و زحمت کشان از فرقه گرائی و تبدیل این جنبشها به مشت گران مبارزاتی آن هم در شرایطی که اکثر عظیم مردم ایران از ظلم و ستم و استثمار و استبداد حاکمان اسلامی به ستوه آمده اند، بوده و گام مهمی در رهائی این اکثریت به پیش می باشد.

وظیفه ی مهمی دربرابر کارگران مبارزکمونیست ایران قرار دارد که باتکیه به موضع طبقاتی انقلابی پیش رفته شان، علیه فرقه گرائی قد علم نموده و در ایجاد حزب کمونیست انقلابی خود دست به کارشده و به این واقعیت عمیقا معتقد باشند که بدون این حرکت تاریخ ساز، امر پیش روی مبارزات طبقاتی طبقه کارگر با مداخلات نظری و عملی نیروهای خرده بورژوائی رسوخ یافته به درون جنبش کارگری که نسخه ای بیش از رفرمیسم سوسیال دموکراسی نیست، حرکت رهائی بخش کارگران را مسخ کرده و مانع از رهائی و گذار جامعه ایران به تغییر انقلابی، براندازی دولت بورژوائی، کسب دولت کارگری و استقرار سوسیالیسم خواهندشد.

ک.ابراهیم
۱۹ شهریور ۱۳۹۶
(۱۰ سپتامبر ۲۰۱۷)

به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

عمل انقلابی کمونیستی و نقد خرده بورژوائی

سال هاست در بارهی دهه ی شصت وایستادگی های کمونیست ها و جوانان آزادیخواه وانقلابی می نویسم و امسال هم همچون سال های پیشین در سه مجلس یا د بود در تورنتو شرکت کرد م . این مناسبت مرا برآن داشت که از رفقائی یاد کنم که از رهبری دفتر سیاسی نوزده نفره حزب رنجبران ایران، در دهه ی شصت اکثرن دستگیر ، تحت شکنجه های سخت قرار گرفتند و به جوخه های اعدام سپرده شدند. حزب رنجبران ایران ، مسیر پر پیچ وخمی را در این بیش از نیم قرن پیموده است. در درجه اول وارث قیام کمونیست های پیروز مند وفا دا ر به مارکسیسم از درون حزب توده ایران است که به نقد رویزیو نیسم ورفورمیسم رهبری حزب توده پر داخته و وظیفه مرکزی خود را تلاش برای ایجاد حزب کمونیست ایران گذاشته است . هنگامی که در سال ۱۳۵۸ همراه هشت تشکل دیگر چپ و کمو نیست حزب رنجبران را طی کنگره ای بوجود آورد آنرا قدمی دیگر در این راهپیمائی دانست و تا امروز استوار برای ایجاد حزب کمونیست واحد از طریق یکی شدن کمونیستها ودر پیوند با کارگران ، مبارزه کرده است.. سازمان انقلابی حزب توده ایران ، از همان آغاز تشکیل خود روی دو پا برای پیاده کردن این امر مبرم جنبش کمونیستی حرکت کرد.

پای اول : در تمام برنامه های ارائه شده بطور روشن مبارزه برای وحدت مارکسیست – لنینیست ها را براسا س اصول وبرنامه ای مشخص وظیفه ای تخطی ناپذیر می دانست.

پای دوم پای در عمل بودن و برای پیوند با جنبش کارگری مبارزه کردن است. در این زمینه بسیاری از کادر های تحصیل کرده سازمان با شور وشوق به میان کرگران رفتند و خود را وقف سازماندهی جنبش کارگری نمودند. ایجاد کنفدراسیون کارگری که مرکب از چندین تشکل کارگری بود در روزهای اول انقلاب ۵۷ از ثمرات چنین گذشته ای بدست آمد.

اما باید تاکید کرد در این راه پیما ئی طولانی برای بدست آوردن خط مشی سیاسی درست، برای تلفیق تئوری عام باشرائط مشخص ، برای تعیین دوستان واقعی انقلاب و دشمنان انقلاب ، مبارزه بین نظرات و خط مشی ها در درون حزب بی وقفه ادامه داشته است.ازآن جمله

زنده باد انقلاب زنده باد سوسیالیسم

است اشتباه پشتبانی از خمینی در سال اول انقلاب . حزب رنجبران دراین دوره به دفاع از نیروهای اسلامی خرده بورژوائی و بورژوائی متوسط پرداخت با دید اینکه در فرصت بد ست آمده به گسترش نفوذ در میان توده های کارگر و زحمتکش بپردازد ، اما بلافاصله دست به نقد انحصارطلبان اسلامی پرداخت و این خط کشی سیاسی به سطح تدارک مبارزه مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی کامل یافت وکنگره دوم با جمعبندی فعالیت های حزب بین دو کنگره ضمن تائید تصمیم دفتر سیاسی در وارد شدن به فاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی به بررسی همه جانبه مشی انحرافی راست پرداخت و در بیش از۳۳ سال به دفاع ازتئوری انقلابی کمونیسم علمی پرداخته و هیچ نیروی کمونیستی تا به این حد در توضیح ضرورت ایجاد حرب کمونیست انقلابی و طرد فرقه گرائی نپرداخته و سربلندانه امروز دیدگاه پرولتری که از زبان رفقای کارگر مبارز جان باخته ای نظیر شاهرخ زمانی بیان شده ، در راه ایجاد حزب کمونیست انقلابی کمونیست با شرکت فعال و تعیین کننده ی کارگران کمونیست ادامه می دهد.

یا د این رفقای از خود گذشته همیشه زنده خواهد ماند و گواهی است سترگ که حزب رنجبران ایران بنیادش بر سنگ خا رای مبارزه تا آخر پرولتارئی در مبارزه با رویزیونیسم رهبری حزب توده ریخته شده و پرچم راستین انقلابی اش همیشه در اهتزاز بوده است. در دوره ی سلطنت پیشتاز رفتن به ایران و سازماندهی تشکیلات مخفی ضد حاکمیت بود و در دورهی ولایت فقیه همچنان سربلند در مبارزه انحرا فات خط سیاسی توسط رهبری حزب که در کنگره دوم حزب رنجبران همه جانبه به نقد کشیده شد هیچگاه ماهیت کمونیستی و پای در عمل داشتن آنرا خدشه دار نکرد و بموقع خط درست انقلابی توانست جایگزین انحراف شود . در همان زمانی که حزب حتی سیاست دو گانه ای را در برابر حاکمیت اتخاذ کرده بود ، حاکمیت بهیچوجه این سیاست را قبول نکرد و از همان روز اول حزب رنجبران را دشمن می دانست و همین امر باعث شد که هیچگاه سیاست انحرافی برخورد دو گانه به خمینی کردن پیاده نشود.برخورد خصمانه صاحبان قد رت حزب ما را در عمل مجبور کرد که برخورد مشت در مقابل مشت را در پیش بگیرد. در همان اسفند پنجاه وهفت در سنگلج تهران نیرو های حزبی ما با گله ی حزب الله و طرفدران کیانوری ضد کمونیست در گیر شدند و سربازان امام از کمیته انقلاب دادگستری چند نفر از رفقای مارا به طرفداری از خط امام دستگیر کردند. همه جا جوانان حزب رنجبران در همان زمان چه در کارخانه ها چه در محلات و سر کوچه ها و خیابان ها از تهران گرفته تا شهرها ودهات با مبارزه، گاهی خونین می بایستی حق خود را بگیریم. حزب ما کارنامه ای از مبارزه دارد و امروز با جمعبندی از اشتباهات بموقع وتصحیح آن و با وفاداری به راه گلگون شده اش با اینکه کوچک است اما با درایت تر برای پیروزی طبقه کارگر و برنامه سیاسی سوسیالیستی آن همچنان مبارزه می کند.یاد رفقای دفتر سیاسی حزب رنجبران همیشه زنده خواهد ماند.

*رفیق هوشنگ امیر پور عضو کمیته دائم حزب رنجبران ایران ودبیر چند دوره ی کنفد راسیون محصلین و دانشجویان ایران

==========

رفیق عباس تمرچیان عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ایا لتی حزب رنجبران ایران – خراسان

==========

رفیق عباس صابری عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ایا لتی حزب رنجبران ایران – خوزستان

==========

رفیق فرامرز وزیری عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ایا لتی حزب رنجبران ایران - گیلان

==========

رفیق منصور قاضی عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ایالتی حزب رنجبران ایران – مازندران

و مسئول تدارک سازماندهی نیروی مسلح در منطقه

==========

رفیق محمود بزرگمهر عضو دفتر سیاسی حزب رنجبران ایران و سر دبیر نشریه رنجبر در دوران سرکوب و مخفی از سال ۱۳۵۹

==========

رفیق عباس برخوردار عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ضد اطلا عات و مبارزه با نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی

==========

رفیق بهرام راد عضو دفتر سیاسی و مسئول کمیته ی نظامی حزب رنجبران ایران از تابستان ۵۹ که دفتر سیاسی به اتفاق آرا تصمیم به مقاوت مسلحانه در برابر تعرضات سرکوب گرانه رژیم جمهوری اسلامی گرفت.

==========

رفیق عطا کشکولی عضو دفتر سیاسی و مسئول ایالتی حزب رنجبران ایران – آذ ربایجان که با تما م خطراتی که در راه دا شت برای شرکت در کنگره دوم حزب در راه دچار سکته قلبی شد ونبود دکتر ودرمان اورا از پای در آورد.

==========

برافراشته تر باد پرچم سرخ بدیل کارگری – انقلاب سوسیالیستی

طبقه کارگر ایران در این صد سال مبارزه ی خود در شرائط استثمار شدید ، ستم تظام های دیکتاتوری سلطنتی و ولایت فقیه، امروز به درستی و در عمل به گور کن نظام رژیم سرمایه داری اسلامی تبدیل شده است. بورژوازی ایران در این صد ساله ناتوانی، ورشکستی و خیانت در همبستگی با امپریالیسم ، در ایجاد جامعه ای حتی در سطح کشورهای متروپل به اثبات رسانده است. در این صد سال هرگاه وهر زمان طبقه کار گراقدام به متشکل شدن در هر شکلی کرده ، با مخالفت این طبقه روبر و شده است.سرکوبگران پیشروان کارگری دولت های همین طبقه وپشتبانان امپریالیستی آنها بوده اند.

هر کارگر انقلابی آگاه، چنانچه نیک به این تاریخ و عملکرد بورژوازی ایران در کل و بورژوازی ملیت های تحت ستم در جزء، بنگرد در می یابد که ریشه کلیه انحرافات سیاسی و اپور تونیستی تاکنونی در جنبش کارگری و کمونیستی ایران در عدم حل صحیح مناسبات میان دوستان ودشمنان انقلاب و طبقه ی مسلط حاکم بوده است .تجربه ی دوران حزب کمونیست ایران و ارزیابی های نادرست از رضا شاه، سپس انحرافات طولانی رهبری حزب توده ایران و در آستانه انقلاب ۵۷ ارزیابی بغایت انحرافی از جنبش اسلامی خمینی همگی گواه معتبری در این زمینه است. نیاموختن از این تجارب غنی و در ارزیابی از اوضاع کنونی بکار نبردن جمعبندی های تاریخی این

دوران طولانی افتان وخیزان جنبش چپ وکارگری ایران ضد ماتریالیستی است. درست با حرکت از این پراتیک اجتماعی مشخص ایران است که شاهرخ زمانی با فراموش نکردن جنایاتی که نمایندگان این طبقه در حق فرزندان از خود گذشته ی طبقه کارگر و کلیه نیروهای آزادیخواه و برابر طلب مرتکب شده اند با کلیه گرایش های بورژوازی برای تغییر چه داخلی وچه وابسته به خارج به مخالفت برخاست وپرچم راستین طبقه کارگر را بعنوان تنها طبقه ی توانا وراستین برای تغییر انقلابی جامعه بر افراشت.او به پیروی از استادش کارل مارکس طبقه کارگر را در مرکز کلیه تحو لات اجتماعی دوران خود قرار میدهد. حزب رنجبران ایران هم بری از این انحرافات نبوده و در گذشته با جمعبند ی از پراتیک خود و با طرد نظرات انحرافی امروز با درایت تر از گذشته روی نقش تعیین کننده طبقه کارگر و مرکزیت این طبقه در امر یکی شدن احزاب و سازمان های کمونیستی ،در ایجاد حزب راستین پیشرو طبقه که استخوانبدی آنرا کادر های از خود گذشته ی کارگری تشکیل می دهند،در ایجاد تشکل سراسری کارگران و اتحاد بزرگ ملی از کلیه اقشار و نیروهای تحت ستم – ملیت های تحت ستم ، زنان تحت ستم، اقلیت های مذهبی تحت ستم و دیگر ستمدیدگان جامعه ی تحت دیکتاتوری مذهبی شیعیگری ،می داند امروز با ما چه در سطح داخلی و چه در سطح خارج از ایران شاهدصف آرائی های نوینی برای تغییرات ماهیتن بورژوائی وخرده بورژوائی هستیم. وفادار به آموزش های شاهرخ زمانی ما بدینو سیله مخا لفت خود را با هردو گرایش سیاسی جاری بـورژوازی اعلام میداریم و بدیل طبقه کارگر را تنها بدیل درست و امکان پذیر برای رهائی و ایجاد جامعه ای خالی از ستم – ستم ملی ،ستم به زنان و استثمارانسان از انسان میدانیم..

با اطمینان می توان گفت چنانچه کلیه نیروها ی انقلابی وفـادار به طبقه کارگر و بدیل انقلابی سوسیالیستی آن براساس اصول و برنامه یکی شوند ، چون طبقه کارگر ایران به نیروی بیش از پانزده میلیون در صحنه مبارزه طبقاتی تبدیل شده و از هر زمان دیگر تاریخ ، توانایی ایفای نقش گورکنی نظام سرمایه داری را بد ست آورده است می توان به پیروزی آن اطمینان یافت.

اینست که از همه ی نیروهای چپ وکمونیست در این برهه از تاریخ بار دیگر دعوت می کنیم ضمن وفادار به شعار سرنگونی رژیم سرمایه داری حاکم و تمرکز آتش حمله بر روی آن با موضع گیری روشـن و قاطع علیه دو جریان عمده ی بورژوازی خارج از حاکمیت ، برای اجتماعی کردن بدیل سوسیالیستی ، برای یکی شدن با نفی دیالکتکی تشکل های جدا از هم و موازی کمونیستی کنونی ، در پیوند با جنبش توانای کارگری و تنگاتنگ با کادر ها و پیشروان آنها ، به وظیفه تخطی ناپذیر ومبرم کنونی جنبش کارگری و انقلابی یعنی ایجاد حزب واحد کمونیستی طبقه کارگر پاسخ عملی دهند.

این دو جریان را می توان در اوضاع کنونی چنین توصیف کرد :

یکم جریان امپریالیستی رژیم چنجی :

امپریالیسم آمریکا به ریاست دونالد ترامپ همچون دزدی که با چراغ آید، اینبار وزیر امور خارجه اش آشکارا اعلام کرد در پی رژیم چنج در ایرا ن است و از نیروهای طرفدار چنین سیا ستی همه جانبه پشتیبانی می کند. اکنون ما با این وا قعیت روبرو هستیم که رهبری سازمان مجاهدین ،بخشی از بازماند گان طرفدار سلطنت ،پاره ای از احزاب وتشکل های ملی گرا بنا برماهیت طبقاتی و اشتراک منافع، بر این سیاست امپریالیستی صحه گذاشته و بطور جدی زیر چتر سیا و موساد و دلار های آمریکائی و سعودی وارد مرحله ی سازماندهی شده اند..

دوم جریان اصلاح طلبی

در طرف دیگر با آشکار شدن این سیاست جدید آمریکا ، گرایش اصلاح طلبی داخل حکومت زیر نام " آشتی ملی" به میدان آمده و باردیگر با ایجاد توهم بازهم بیشتر به کمک نجات کلیت رژیم جنایتکار ولایت فقیه بر خاسته است. گرایش های سیاسی اپورتونیستی اکثریتی و حزب توده ای با تبلیغ خطر امپریالیسم و به رخ کشیدن وضع لیبی ،افغانستان وسوریه سیاست انتخاب بد وبدتر واعتدال را در پیش گرفته اند. تجربه طولانی خیانت این مشی را به جنبش کارگری وانقلابی ایران ثابت کرده است.

باید درست بر اساس تجارب تاریخی توجه کنیم که این جریانات بـورژوازی چه در حاکمیت و چه در مخا لفت با حاکمیت از لحاظ طبقاتی ضد طبقه کارگرند ، برای چپاول بیشتر استثمار شوندگان ایران تلاش می کنند و در نتیجه ماهیتن ضد کمونیست و جبهه ی کارگری می باشند.

تمام پراکندگی و انشعابات جاری در جنبش چپ و کمونیستی ناشی از بازتاب چنین جریاناتی است و درست بر همین اساس باید به دقت کامل به مبارزه ی میان دو خط در درون این جنبش توجه داشت.

حزب رنجبران ایران با بکاربرد کمونیسم علمی و تحلیل مشخص از اوضاع جاری جهان وایران برای وحدت نیروهای چپ و کمونیست در خدمت به وظیفه مبرم کنونی اش یعنی ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر مبارزه می کند. تنها با مرزبندی با هر دوی این دو گرایش بورژوازی است که مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی دارای هویت روشن سوسیالیستی می شود و می توان به پیروزی طبقه کارگر اطمینان یافت.

بر افراشته تر باد پرچم سرخ بدیل کارگری –انقلاب سوسیالیستی
پیش بسوی یکی شد ن در حزب انقلابی طبقه کارگر
پیش بسوی ایجاد تشکیلات سراسری کارگری
کارگران،زحمتکشان ،زنان ،معلمان ،دانشجویان علیه این دو گرایش
خانمان سوز ضد مردمی متشکل شوید و پرچم بدیل سوسیالیستی را در مبارزه برای سرنگونی تمامیت رژیم سرمایه داری حاکم بر افرازید
سرنگون با نظام سرمایه داری اسلامی
مرگ برامپریالیسم

محسن رضوانی

بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

عطا حسن آقا کشکولی

عطا در سال ۱۳۱۰ در شیراز متولد شد. در دبستان به سازمان دانشجوئی حزب توده دل بست و در دبیرستان عضو فعال سازمان جوانان این حزب شد. در سال ۱۳۳۶ برای تحصیل به اتریش رفت و در شهر لئوبن در رشته معدن شناسی نام نویسی کرد. با اوجگیری مبارزات دانشجویان عطا نیز به صفوف کنفدراسیون پیوست و یکی از فعالین شهر لئوبن شد. زمانی که جنبش اعتراضی جوانان توده ای علیه رهبری کمیته مرکزی این حزب شورش کرد، عطا نیز یکی از آنان بود و در پی ریزی جلسه تدارکاتی مونیخ (۱۳۴۳) نقش مؤثری داشت که به تشکیل سازمان انقلابی انجامید. عطا به اتفاق ایرج کشکولی در رابطه با جنبش عشایر جنوب در سال ۱۳۴۳ از سوی سازمان انقلابی به ایران فرستاده شد و با شکست این جنبش دوباره به اروپا رفت. و بعد از یك دوره آمادگی به منطقه خلیج رفت و در آنجا میان کارگران ایرانی به کار سیاسی و سازمان¬دهی پرداخت. سرانجام در آستانه انقلاب به ایران رفت و در کنگره اول حزب رنجبران (۱۳۵۸) به عضویت دفتر سیاسی حزب در آمد. با یورش جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی عطا نیز مخفی شد و پس از مدتی عازم کردستان شد. در این راه نرسیده به مقر حزب رنجبران در بالای کوه های کردستان که عطا عاشقش بود در اثر سکته قلبی جان باخت.

در جنبش جهانی ... بقیه از صفحه آخر

مناطق بحرانی و جنگ مانند اوکراین، سوریه یا افغانستان نیز حوزه های خطرناکی هستند. امروزه دهها جنگ ناعادلانه در سراسر جهان اتفاق می افتد. کلیه قدرتهای بزرگ امپریالیستی درگیر مبارزه برای تقسیم مجدد جهان هستند.

در این وضعیت، برای اقدامات قاطع فرا مرزی(بین المللی- مترجم)، ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی ضروری است که ایجاد جبهه متحد ضد امپریالیستی، ضد فاشیستی و ضد جنگ افروزی را در دستور روز قرار دهیم. ما به یک جنبش صلح آمیز و ضد امپریالیستی نیرومند در سراسر جهان نیاز داریم که علیه هر گونه تجاوز امپریالیستی بوده و به طور مداوم به انترناسیونالیسم پرولتری متعهد باشد. عده ای به دنبال آن هستند که برخی از امپریالیست ها مانند اتحادیه اروپا، روسیه و چین صلح آمیز تر، معتدل تر و حتی صلح آفرین می باشند. چنین چیزی بمعنای قبول تبلیغات فریبنده سوسیال شوونیستی است.

سال ۲۰۱۷ صدمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر است. این نشانی است که چگونه انقلاب سوسیالیستی به جنگ امپریالیستی پایان می دهد!

امضاکنندگان (از تاریخ ۲۹ اوت ۲۰۱۷، امضاهای آتی ممکن می باشد):

۱- ORC سازمان انقلابی کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو
۲- MMLPL خط پرولتری مارکسیست-لنینیست مراکش
۳- (ML) حزب کمونیست CPSA آفریقای جنوبی (مارکسیست-لنینیست)
۴- PPDS حزب سوسیالیست دموکراتیک میهنی تونس
۵- سازمان مارکسیست-لنینیست MLOA افغانستان
۶- CPB حزب کمونیست بنگلادش
۷- ستاره سرخ حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست)
۸-حزب کمونیست هند(مارکسیست لنینیست) (PCC CPI(ML)
۹- حزب رنجبران ایران
۱۰- NCP (مشعل) حزب کمونیست نپال
۱۱- انقلابیون کمونیست بلاروس
۱۲-MLPD حزب مارکسیست لنینیست آلمان
۱۳- سازمان کمونیستی لوکزامبورگ
۱۴- سحر سرخ (هلند)
۱۵- بستر های نرم افزاری مارکسیست-لنینیست، روسیه
۱۶- گروه مارکسیست-لنینیست از سوئیس
۱۷- اتحادیه کمونیستهای انقلابی ترکیه
۱۸- حزب بلشویک (شمال کردستان و ترکیه)
۱۹- شورای هماهنگی جنبش طبقه کارگر)، اوکراین
۲۰- حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست، جمهوری دومینیکن
۲۱- حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) پاناما
۲۲- حزب کمونیست (مستقل) پاراگوئه
۲۳- PML حزب مارکسیست-لنینیست پرو
۲۴- PPP حزب پرولتری پرو

دست آوردهای اجتماعی و... بقیه از صفحه آخر

وزارت دفاع می رود که یک صنعت عظیم حقوق بشر را تامین می کند ... " « متعاقب رسانه های بین المللی بزرگ و کوچک، به ویژه از جانب ایالات متحده، آدم به شدت احساس می کند که کمپین های تبلیغاتی حقوق بشر مانند بمب ها عمل می کنند، آنها هر چیزی را مورد هدف قرار می دهند، آنها هر چیزی را منفجر می کنند، و آنها به دنبال نابود کردن همه چیزهایی هستند که در معرض دید هستند. اینها در این مورد صریح هستند، اما مانند بمب ها انفجارشان می تواند کاملاً معکوس باشد – مبهم، غیر قابل پیش بینی و خالی از تبعیض در در مصدوم کردن. اگرچه، کمپین تبلیغاتی آنها در اینجا تاثیر بر روی افکار عمومی می گذارد، اما تخریب و نابودی آنها همیشه خارج از مرز است – سرزمین خارجی، حیات یا جان خارجی و هزینه ضروری برای پیروز شدن در خارج از مرز. کمپین های آگاهی رسانی در مورد سازمان های غیر دولتی حقوق بشر کره شمالی به پیمان کاران جنگ اطلاعاتی تحت حمایت دولت ایالات متحده مبدل شده اند... » « اولا، مشخص شده است که یک فراری عراقی دروغگو بر روند تصمیم گیری تاثیر گذاشت که باعث شد ایالات متحده به « عملیات آزادی عراق » دست زند – جنگی که خاور

یاد صدمین سالگرد انقلاب اکتبر گرامی باد

میانه را بی ثبات ساخت و آنرا ویران کرد. دوم، فراری کره شمالی شناخته شده است که برای مبارزه با افکار عمومی در مورد منافع خود، کمپین های اطلاعات غلط و مخفی سازماندهی می کنند ... » « سقوط یک کشور کار ساده ای نیست. استراتژی، یا آنطور که به نظر می رسد، متشکل از چندین کمپین در حال انجام به طور همزمان باید باشد. این برای نویسنده مجهول است که – اگر هر انسانی - "عملیات کره شمالی" را به طور کلی سازماندهی کند، اما واضح است که تلاشهای هم آهنگ شده ای برای سقوط رژیم با استفاده از زور یا خشونت دنبال می شود.

آلن وینشتاین، که در پیش نویس قوانین ایجاد National Endowment for Democracy کمک کرد، کاملا بی پرده بود زمانی که در سال ۱۹۹۱ گفت:

«بسیاری از آنچه که امروز انجام می دهیم، ۲۵ سال پیش توسط سازمان " سیا " به طور مخفیانه انجام می شد.»

در سال ۱۹۹۳، موری کمپتون (Murray Kempton)، روزنامه نگار برجسته و برنده جایزه پولیتزر، یک نامه خصوصی برای من نوشت و در آن نامه توصیف کرد که بنیاد ملی برای دمکراسی (National Endowment for Democracy)، یک " آفت تباه کار و بی زار کننده " است و این بیانات بطور کامل پرونده های بنیاد ملی برای دمکراسی، " فراری مشهور"، مرکزی برای دادن اطلاعات غلط نظامی را توصیف می کند. هم چنانکه تحریف های شن دونگ هیوک (Shen Dong-hyak) او را سیاه رو کرده است، یک ستاره راک جدید، ولی فراری، باون می پارک (Yeon MI Park)، کسی که بیش از ۱۲ هزار دلار برای هر سخن رانی به منظور تهمت به جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی و دادن اطلاعات سرتاسر غلط برای گمراه کردن افکار عمومی، یعنی پول هنگفت برای چنین خدمتی می گیرد. در حقیقت، تدبیر اطلاعات غلط به منظور گمراه کردن افکار عمومی علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی، یک صنعت بسیار سودآوری، حرفه پر منفعت که کاملا قابل مقایسه با قبل شده است.

یک بعد از ظهر هم چنان که ما به جلسه رفتیم، آقای جانگ به روشنی هدف و روشهای تحریم را تحلیل کرد. برای نقل بیان از چیزی که او گفت: این تحریم ها باعث افسردگی و کاهش کیفیت زندگی یک ملت می شود، ملتی که در ناامیدی سرانجام دولت را مقصر می شمارند و به آن حمله ور می شوند و سبب تغییر رژیم می شود و واضح است که این عمل بدون مداخله نظامی صورت خواهد گرفت.

در جلسه شورای امنیت در سطح وزیران در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۱۷ ، معاون وزیر روسیه، گاتیلوف اظهار داشت:

« تحریم ها نباید از لحاظ اقتصادی به منظور خفه کردن جمهوری دموکراتیک خلق کره و یا بدتر شدن وضعیت بشردوستانه استفاده شود. این به خصوص به محدودیت های یک جانبه غیرقانونی مربوط می شود که برای مناطق غیر نظامی که با برنامه های موشکی هسته ای کشور مرتبط نیستند، اعمال می شود. چنین تحریم هایی باعث وخامت شدید در شرایط زندگی مردم کره شمالی شده است که، در ضمن، در تازه ترین گزارش دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه به عنوان یک علت برای زنگ خطر شناخته شده است. آنها در این مورد بطور توجیه کننده ای محتاط هستند. ما باید اذعان کنیم که معافیت های بشردوستانه که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه می شود اساسا کارائی ندارند. به دلیل ممنوعیت روابط خبرنگاران با جمهوری دموکراتیک خلق کره، این غیر ممکن است که کالاها و مواد غذایی مورد نیاز برای اقتصاد کشور را از خارج از کشور خریداری کرد. به دلیل طریقی که سیستم مالی و بانکی کار می کند، تامین مالی سازمان های بشر دوستانه سازمان ملل متحد که هنوز در کشور کار می کنند، بسیار دشوار است. از آنجایی که پیونگ یانگ نمی تواند ذخایر ارزی خود را به دلیل محدودیت های موجود دوباره پر کند، می تواند خود را در شرایطی قرار دهد که غیر ممکن باشد که به صندوق های مالی سازمان ملل متحد وجه واریز کند که در اختیار آن سازمان قرار گیرد، همان طور که کمیته مربوطه مجاز کرده است. مورد جداگانه و دیگر وضعیت در مورد ماموریت های دیپلماتیک خارجی در پیونگ یانگ است. ما نباید اجازه دهیم وضعیتی که در آن مأموریت های دیپلماتیک به دلیل محدودیت های اعمال شده در کشور همچنان مشکلی در انجام کار خود داشته باشند. ما بارها و بارها این موضوع را در جلسات کمیته شورای امنیت که به موجب قطعنامه ۱۷۱۸ (۲۰۰۶) ایجاد شده است، مطرح کردیم، اما در نتیجه موضع چوب لای چرخ گذار که توسط اعضای فردی آن اتخاذ شده، وضعیت هرگز تغییر نکرده است. »

در میان نمونه های بی رحمانه ریاکاری و استانداردهای دوگانه مندرج در قطعنامه ۲۳۵۶ ، که تحت فصل هفتم تصویب شده است، عبارت از این است:

«ابراز نگرانی شدیدی است که ممنوعیت فروش اسلحه از جانب جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی درآمدی را حاصل کرده که به دنبال دستیابی به سلاح های هسته ای و موشک های بالستیک است، در حالی که شهروندان جمهوری دموکراتیک خلق کره خواستار رفع نیازهای خود هستند ».

عبارت بالا یک تعبیر هجو آمیز مضحک از نگرانی ست، و نقشه سرمایه گذاریهای بی رحمانه و غیر انسانی ایالات متحده در تسلیحات هسته ای خود، در حالی که نیازهای مردم آمریکا نادیده گرفته می شود، و در حالی که مالیات های مردم آمریکا به سرقت می رود تا "استاندارد بالاتر" تسلیحات هسته ای را برای جنگ آماده سازند. تا آوریل ۲۰۱۶ دولت ایالات متحده یک تریلیون دلار برای توسعه و مدرن سازی سلاح های هسته ای، یک برنامه "بازسازی" هسته ای، شامل پنج دسته از سلاح های هسته ای پیشرفته و و سائل نقلیه برای تحویل، ساخت سلاح های هسته ای کوچکتر، که بی نظیر و دقیق هستند، سرمایه گذاری کرد. در شهر لاس الاموس، نیومکزیکو، مقامات ارشد ارتش در آلبوکرک جمع شدند تا طرح یک تریلیون دلار تسلیحات هسته ای را ترقی دهند. این نشست توسط « ائتلاف منع کننده استراتژیک » (”Strategic Deterrent Coalition“) و نورتراپ گرومن (Northrup Grumman)، بوئینگ، اوربیتال آتک ((Orbital ATK ،، BAE Systems ،، و غیره؛ و هزینه های آن مستقیماً توسط نیروی هوائی تأمین می شود. سخن رانانی که در جلسه مربوطه حضور داشتند: دریا سالار سیسیل هنی، فرمانده سرکردگی استراتژیک ایالات متحده آمریکا، جنرال جک واینسایین، معاون فرمانده نیروی هوائی ایالات متحده برای یک پارچه گی هسته ای، جنرال رابین رند، فرمانده، سرکردگی جهانی نیروی هوایی، و دیگران از جمله شهردار البوکرک، ریچارد بری.

همانطورکه توسط گروه مخالف به وضوح اعلام شد،

« گروه سیاسی محکم با منافع مشترک، نظامی و جناح سیاسی ضد محیط زیستی که توسط شرکت های سلاح های هسته ای در نیومکزیکو شکل گرفته است، با موفقیت قابل توجهی در تضعیف و تخریب نیروی کار، ضدیت با حفاظت از محیط

زیست، و سیاستهای اجتماعی مترقی در دولت ما برای سالیان دراز فعالیت کرده است. تأثیر منفی آنها به شدت به نتایج اقتصادی – اجتماعی که سبب فقیر شدن ما شده است را می بینیم. وفا داری ترسناک و وحشتناک ما به مأموریت سلاح های هسته ای، به دو آزمایشگاه بزرگ و آزمایشگاه کرتلند در میان پایگاه های دیگر، یک اعتیاد سیاسی و بیماری است.»

در حالی که ایالات متحده هزار میلیارد دلار مالیات شهروندان آمریکائی را به منظور« احیای سلاح های هسته ای » سرمایه گذاری می کند، فدراسیون نجات کودکان واقع در فرفیلد کاناتیکات گزارش می دهد که:

« ایالات متحده مدام دارای یکی از بالاترین میزان مرگ و میر نوزادان در زمره کشورهای صنعتی با درآمد بالا است ...در سال ۲۰۱۵ در حدود ۲۳۴۵۵ از نوزادان در ایالات متحده قبل از اولین تولد جان شان را از دست دادند – بیش از مجموع مرگ و میر نوزادان در ۴۰ کشور اروپایی در طول همان سال بوده است. ۹ شهرستان کوچک فقیر نشین در تگزاس گزارش دادند که میزان مرگ و میر ناشی از تلفات در سال ۲۰۱۳ ، ۲۲ نفر در هر ۱۰۰۰ تولد بوده. »

« یکی از هر پنج کودک در خانواده ای زندگی می کند که دسترسی منظم به غذا ندارد. »، « میلیون ها خانواده در سراسر آمریکا تلاش می کنند تا به غذای سالم دسترسی یابند. یکی از هر ۵ کودک در خانواده ای زندگی می کند که در طول سال به طور منظم دسترسی به غذا ندارد. ۱ در هر ۳ خانوار که درآمد زیر خط فقر دارند، با ناامنی غذایی در سال ۲۰۱۵ روبه رو بودند. علاوه بر این، طبق آخرین آمار دولت، بیش از نیم میلیون کودک در خانواده هایی زندگی می کنند که « با امنیت غذائی بسیار پائین » روبرو هستند. کودکان در این خانواده ها با خطر ابتلا به سوء تغذیه بسیار زیاد، چاقی و گرسنگی که می تواند مانع رشد جسمی و روحی آنها شود و شانس خود را برای رشد قوی و سالم کاهش دهند.... بطور کلی، ۱۳.۱ میلیون کودک در خانواده هایی زندگی می کنند که در سال ۲۰۱۵ از دسترسی به غذای کافی برخوردار نبودند. بیشترین نگرانی این است که براساس رقم تخمینی، ۵۴۱ هزار از کودکان در خانواده هایی زندگی می کنند که " امنیت غذایی بسیار پائین" را تجربه می کنند. برای این کودکان، وضعیت « چنان شدید بود که مراقبین گزارش دادند که کودکان گرسنه بودند، یک وعده غذا را جا می انداختند، یا این که برای تمام روز غذا نمی خوردند، زیرا پول کافی برای غذا موجود نبود. »

« فقدان آموزش و پرورش کودکان را در تله فقر گرفتار می کند. هر سال تخمین زده می شود که ۷۵۰ هزار دانش آموز مدرسه را ترک می کنند و به جرگه ۵.۵ میلیون از جوانان بین ۱۶ تا ۲۴ ساله ای که یا در مدرسه نیستند یا بی کارند می پیوندند. برای میلیون ها نفر از جوانانی که مدرسه را ترک کردند، اکنون با یک زندگی پر از مبارزه بی پایان روبرو هستند، یا فرصت های بسیار کمی برای یافتن کاری که دستمزد قابل امرار معاش، مثل خرید مسکن یا حمایت از خانواده مواجهند. »

« سوء استفاده های مختلف از کودک و اعتیاد وابستگی به مواد مخدر نیز باعث از هم گسیختگی زندگی صدها هزار کودک در ایالات متحده در سال می شود. در سال ۲۰۱۵ ، ۶۸۳ هزار قربانیان سوء استفاده از کودکان گزارش شده است. سه نفر از هر چهار نفر قربانی بی توجهی بودند. ۱۷ درصد از کودکان از نظر جسمی مورد آزار قرار گرفته و ۸ درصد از آنها مورد سوء استفاده جنسی واقع شده اند ... . مرگ و میر به خاطر مصرف بالای مواد مخدر در میان نو جوانان و بزرگسالان به سرعت بالا رفته. »

دوم ژوئن ۲۰۱۷ : روزنامه USA Today گزارش می دهد « با افزایش ناگهانی بی خانمانی در لوس آنجلس سبب شد، سرپرست بخشداری County)) اعلام وضعیت اضطراری کند. »

بیش از ۵۷ هزار نفر در بخشداری (County) لوس انجلس بی خانمان هستند. در شهر نیویورک، ۶۰ هزار نفر بی خانمان هستند، همانطور که در Gothamist گزارش شده است. در هر شبانه روز ۶۰۰ هزار نفر در ایالات متحده بی خانمان هستند. این وضعیت بی خانمانی اغلب این افراد را از حق رای دادن محروم می کند، زیرا کارت شناسایی با عکس و با آدرس منزل در برخی از ایالت ها لازم است، بنابراین فقیرترین افراد بی خانمان در ایالات متحده نیز محروم می شوند.

لوس انجلس تایمز در روز ۳۱ می ۲۰۱۷ ، مقاله ای از کارلا هال درج شده که بیان می کند:

«بی خانمانی در همه جا موجود است، و اگر فکر می کنید این تیرگی از بدبختی، دارد از بین می رود، خیالی ست واهی، دوباره فکر کنید. در واقع، ارقام جدید ترسناک هستند. تعدادافراد بی خانمان در لوس انجلس به طرز تکان دهنده ای ۲۰٪ افزایش یافته است».

دولت آمریکا برای مردم آمریکا چه کاری انجام می دهد؟ این دولت مبالغ هنگفتی را برای سلاح های هسته ای سرمایه گذاری می کند، اما تقریبا هیچ کمکی به تخفیف فقر نمی کند.

هنگامی که من در کره شمالی بودم، بسیاری از مردم به من می گفتند که کیم جونگ، رئیس جمهور آنها کودکان را دوست دارد (البته نویسنده این مقاله بر اساس برداشت خود مطرح می کند که چون " کیم جونک کودکان را دوست دارد" به کودکان رسیدگی می شود، درصورتیکه این برخورد به کودکان یا بطور کلی انسانها جزء جدا ناپذیر و طبیعت جامعه سوسیالیستی ست - مترجم) و شواهد قوی در این مورد در بسیاری از امکانات موجود به منظور تشویق و کمک به کودکان در زمینه بهداشت، آموزش و پرورش و فعالیتهای تفریحی برای جلب کودکان، از جمله " دلفیناریوم " (یک آکواریوم که در آن دلفین ها برای سرگرمی های عمومی نگهداری می شوند و آموزش می دهند) که طی آن دلفین های آموزش دیده نمایش می دهند و شیرهای دریائی چاق را در مقابل مخاطبانی که کودکان هستند قرار می دهند و کودکان به بال های آنها دست میزنند و دلفین ها کودکان را می بوسند، سپس اردک وار از پشت مربیان خود بیرون می آیند، هم چنانکه کودکان با افسون خیره می شوند، نمایان است. در سیرک، کودکان و بزرگسالان در مهارت فوق العاده و جرات هنرمندان آکروباتیک بند باز از شگفتی به نفس نفس می افتند!

در روز ۲۲ می ۲۰۱۷، من با دکتر لی کی سونگ، یک مقام رسمی در موسسه مربوط به اقتصاد ازآکادمی علوم اجتماعی ملاقات کردم. در طول جلسه دو ساعته ما در مورد ضرورت برای توزیع ثروت بیشتر جهانی و دسترسی به مراقبت های بهداشتی و آموزشی بحث کردیم و دکتر لی در مورد نیاز کشورهای ضد امپریالیستی برای اتحاد به منظور مخالفت با تجاوز قدرت های امپریالیستی گفت و گو کرد، و تصریح کرد که این حق مسلم کشورهائی که توسط امپریالیسم مورد تجاوز قرار گرفته اند برای دفاع از موجودیت خود در مقابل اشکال چند جانبه این تجاوزات بایستند.

به خاطر اختصار، به خاطر خلاصه شدن، من باید بسیاری از رویدادهای شگفت انگیز را که شاهد آن بودم، حذف کنم، اما این امکان ندارد که من خاتمه دهم بدون

توصیف سفر من به « موزه پیروز و ظفر نشان جنگ آزادی بخش سرزمین پدری »، با باز سازی مینیاتور از وحشتی که حملات ایالات متحده علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی بین سالهای ۱۹۵۳ – ۱۹۵۰ صورت گرفت.

کلیپ های فیلم مستند کوتاه، ترومن، رئیس جمهور ایالات متحده، ژنرال مک آرتور و دالس Dulles)) به طور روشمند و با شخصیتی جامعه ستیز برنامه ریزی کردند تا این حمله را انجام دهند، و با نگاه پیروزمندانه ناشی از کینه و طمع نسبت به هوش و ذکاوت خود در برنامه ریزی حمله ی غافل گیرانه به کره شمالی در روز یکشنبه ۲۵ ژوئن، ۱۹۵۰ زمانی که آنقدر غیر منتظره بود، و مردم کره شمالی، آماده برای این حمله نبودند، از بزرگترین شوک رنج بردند. این مستند با چهره های ترور و وحشت کودکان کره شمالی به پایان رسید که نشان می دهد چطور زندگی آنها فورا از بین می رود. من بطور ناگهان گریستم وقتی فهمیدم که بعد از صلح موقت، مک آرتور توسط سایر ژنرال هایی که از اختلال روانی مزمن با رفتار اجتماعی غیر طبیعی یا خشونت آمیز رنج می برند، جایگزین شد، اما وحشت امپریالیسم در کشورهای دیگر یکی پس از دیگری مثل، ویتنام، کامبوج، لائوس تکرار شد، زندگی انسان ها از بین رفت، ملت ها استثمار شدند و رمقی برایشان باقی نماند و سودهای گزاف بدست آمده از جنگ، حساب های پف کرده بانکهای یک درصدی ها که Oxfam)) آکسفام اکنون اظهار می دارد، دارای ثروت بیشتری نسبت به بقیه جهان است . « یک شبکه جهانی پناهگاه مالیاتی بیشتر افراد ثروتمند را قادر می سازد تا ۷,۶ تریلیون دلار را پنهان کنند. »

این روندی بود که دولت ایالات متحده نیز برای بی ثبات کردن و سرنگونی دولت منتخب دموکراتیک گولارت در برزیل، و جایگزینی او با یک دولت نظامی فاشیستی شد که تابع شرکت های آمریکایی بود. این روند برای بی ثبات کردن و سرنگونی دولت سوسیالیست منتخب سالوادور آلنده در شیلی تکرار شد و جایگزینی دولت او توسط یکی از دیکتاتورترین و فاشیست ترین در تاریخ شد، یک عروسک دست نشانده منصوب و توسط ایالات متحده پشتیبانی شد و هم چنانکه توسط دیوید رمانیک در واشنگتن پست در سال ۱۹۸۶ گزارش شده است، که پلیس فاشیست شیلی بطور روزمره و عادی موش های زنده را به درون رحم زندانیان سیاسی زن فرو می کرد. در طی سال های دیکتاتوری های وحشتناک، به عنوان خبرنگار در هر دو کشور برزیل و شیلی کار کردم و هرگز نمی توانم این صحنه ها را فراموش کنم. و در موزه جنگ کره شمالی همه چیز را از نو به یاد می آورم.

امپریالیسم یک سرطان است که گسترش می یابد و بشکل های دیگر در می آید و روش ها خود را با شرایط تغییر می دهد و اکنون فرا گسترده شده و سرطان خود را به شورای امنیت سازمان ملل نیز گسترش داده. سازمان ملل متحد هرگز به خاطر قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت از عراق عذر خواهی نکرد که " ائتلاف" ایالات متحده و انگلیس را برای استفاده از " تمام روش های ضروری" در حمله به عراق مجوز داده، و طبق اظهار رئیس جمهور فنلاند، مارتینی آکتساری، « تخریب زیرساخت های لازم برای حمایت از زندگی انسانی در عراق را نابود کرد. « سازمان ملل متحد هیچ وقت برای قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت از لیبی عذرخواهی نکرده است، که ایالات متحده و ناتو را مجاز برای استفاده از « همه اقدامات لازم » کرده است و به طور کامل کشور لیبی را ویران کرد و آن را تبدیل به یک محل پرورش تروریسم نمود».

تنها می توانیم امیدوار باشیم که اکنون، با مشاهده قصابی وخون ریزی توسط شورای امنیت، رئیس جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کره، کیم جونگ اون، هم چنین با استفاده از « تمام روش های ضروری » از مردم شگفت انگیز، شجاع، خوش منظری که شیوه یک زندگی انسانی را انتخاب کردند، محافظت کند.هر چند که رئیس جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی، توسط مطبوعات آمریکایی مورد تمسخر قرار گرفته، اما بدیهی ست که او خود را وقف مردم کرده، به نیازهای یتیمان و معلولان پاسخ می دهد، بالاترین سطح آموزش و پرورش برای مردم فراهم شده، کارخانجات ایجاد شده بهترین کفش چرمی را برای زنان فراهم می کند، در حالی که تحریم های سازمان ملل متحد برای تنزل سطح فرهنگی و فکری مردم کره شمالی طراحی شده است. این هیچ ارتباطی با تولید سلاح های هسته ای ندارد. این یک اعمال طرح ایالات متحده در سازمان ملل متحد برای تخریب فرهنگ جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی ست، یک نوع نسل کشی فرهنگی، همراه با تحریم هایی که باعث خرد کردن اقتصاد می شود، و زندگی مردم کره شمالی را به سطح غیر قابل تحمل کاهش می دهد.

فقط اگر احیاناً « فشار کامل دادگاه »، که از قبل تعیین شده برای تهی کردن زندگی این شهروندان قهرمان کره شمالی موفق نشود، ما می توانیم با تلاش برای ترور کیم جونگ اون، همانطور که توسط Financial Times و نیویورک تایمز و "پیونگ یانگ تایمز" در ماه مه گزارش شد، زمانی که یک برنامه سازمان " سیا " و کره جنوبی برای ترور پرزیدنت جمهوری دمکراتیک خلق کره شمالی با استفاده از مواد شیمیایی بیولوژیکی کشف شد.

این مقاله با نقل قول از سه میهن پرست بزرگ آمریکایی، مارتین لوتر کینگ، رئیس جمهور پیشین، جیمی کارتر و دادستان کل سابق آمریکا، رامسی کلارک، شروع می شود که هر سه سیاستهای خشونت آمیز ایالات متحده را محکوم کردند. تاریخ، حمله کنونی سازمان ملل متحد به رهبری ایالات متحده را به عنوان یکی از بزرگترین جنایات قرن بیست و یکم، محکوم خواهد کرد.

کارلا استیا، خبرنگار تحقیقات جهانی در مقر سازمان ملل متحد، نیویورک، نیویورک است.

تصویر برجسته: آندره ولتچک

اطلاعات بیشتر در:

http://www.globalresearch.ca/the-social-andeconomic-achievements-of-north-korea/5594234#sthash.StxQxeRX.dpuf

تاریخ صد وپانزده ساله... بقیه از صفحه آخر

با آمدن سلیمان میرزا اسکندری(رهبر حزب سوسیالیست ایران) به آلمان، ارانی و یارانش مؤفق شدند که با دانشجوی دیگر ایرانی بنام ایرج اسکندری، که برادر زاده سلیمان میرزا بود، آشنا شده و زمینه را برای فعالیت بیشتر آماده سازند. پس از آن، فعالیت ارانی و یارانش در سال های ۱۳۰۸ - ۱۳۰۶ در جهت گسترش اندیشه های مارکسیستی بین دانشجویان ایرانی در آلمان تشدید یافت و ارانی به یکی از مبرزترین فعالان این گروه تبدیل گشت.

با اینکه ارانی و یارانش در این زمان عضو حزب کمونیست ایران نبودند ولی با طرفداران حزب و گردانندگان نشریه «پیکار» در خارج همکاری داشتند.(۱۸) نشریه «پیکار» پس از استقرار

دیکتاتوری رضاشاه و تصویب لایحه «مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت» (قانون ضد کمونیستی سیاه) در خرداد ۱۳۱۰ و به دنبال آن سرکوب سراسری حزب کمونیست ایران بعنوان ارگان حزب کمونیست ایران در برلین و سپس در وین(پایتخت کشور اتریش) انتشار یافت و پرچم مبارزه را علیه دیکتاتوری افراشته نگاه داشت. در انتشار «پیکار» کمونیست های ایرانی ساکن شوروی چون ابوالقاسم لاهوتی شاعر و مبارز معروف و کمونیست های ایرانی ساکن اروپا، بویژه در آلمان و اتریش نقش بزرگی ایفا می کردند. ناشر «پیکار» و صاحب امتیاز آن در برلین، کارل ونر مسئول و سردبیر آن مرتضی علوی (برادر ارشد بزرگ علوی) بود. (۱۹)

نویسندگان «پیکار» با فعالیت انقلابی و افشاگرانه از یک سو مورد توجه و علاقهٔ نیروهای انقلابی در اروپا قرار گرفتند و از سوی دیگر نگرانی و خشم هیأت حاکمه ایران و شخص رضا شاه را برانگیختند. در اردیبهشت ۱۳۱۰، محمد علی فرزین سفیر ایران در برلین یادداشتی به وزارت امور خارجه آلمان فرستاد و طی آن متذکر شد که مندرجات «پیکار» ، «اهانت به اعلیحضرت» است و خواستار شد که «حیثیت اعلیحضرت» را نجات دهد. تقاضای سفیر ایران مورد قبول وزارت خارجه آلمان قرار گرفت و «پیکار» توقیف گشت و دفتر نشریه از طرف پلیس آلمان اشغال شد و منزل شخصی «کارل ونر» مورد بازرسی قرار گرفت و مرتضی علوی نیز از شهر برلین و ایالت پروس اخراج گردید. (۲۰)

خبر حمله به مسئولان نشریه «پیکار» و توقیف آن، منجر به واکنش اعتراض آمیز وسیع در بین نیروهای دموکراتیک و چپ آلمان، که هنوز حزب نازی در آنجا به حاکمیت نرسیده بود، گردید. رسانه های مترقی و چپ آلمان طی انتشار مقاله هایی ، توقیف «پیکار» و اخراج مرتضی علوی را «خوش خدمتی به مستبد شرقی» و نقض قانون در آلمان دانسته و آن را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند. در نتیجه اعتراض های گسترده نیروهای دموکراتیک، بویژه کمونیست های آلمان، رژیم جمهوری وایمار عقب نشینی کرد و نشریه «پیکار» دوباره منتشر شد. (۲۱)

به هنگام توقیف نشریه «پیکار» روزنامه «نهضت» از طرف ایرانیان مترقی ساکن آلمان تحت مدیریت و مسئولیت اریش رینکا و به سردبیری محمد فرخی انتشار یافت. ولی این نشریه پس از انتشار شماره اول آن، تحت تعقیب پلیس آلمان قرار گرفته و بعنوان اینکه نشریه «نهضت»، ادامه نشریه «پیکار» است، توقیف گشت.(۲۲) تا آنجا که اطلاع در دست است، نشریه «نهضت» نشریه ای ملی و دمکراتیک و ضد سلطنت بوده و رابطه ای با کمونیست های ایران و فعالان نشریه «پیکار» نداشته است. پس از توقیف نشریه «نهضت» در آخر سال ۱۳۱۰، نشریه «پیکار» که به خاطر اعتراض ها و مبارزات وسیع از آن رفع توقیف شده بود،در شهر وین، پایتخت اتریش دوباره منتشر شد ولی پس از انتشار چند شماره در سال ۱۳۱۲ تعطیل گردید. (۲۳)

به نظر نگارنده، توقیف و آزار ایرانیان مترقی و کمونیست از طرف هیأت حاکمه آلمان در سال های ۱۳۱۳ - ۱۳۱۰ (۱۹۳۳ - ۱۹۳۱) یک امر تصادفی نبود. بخش های مهمی از هیأت حاکمه آلمان، که در آن سال ها در تدارک مسلط ساختن حزب نازی به رهبری آدلف هیتلر بودند، در وجود رضاشاه و سیاست های شوونیستی و پان ایرانیستی او، مناسب ترین مهره و شرایط را برای تحقق سیاست های توسعه طلبانه و نژاد پرستانه خود در ایران و خاورمیانه می دیدند. همچنانکه تاریخ نیز بزودی در سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۱۶ این امر را تأیید کرد.

به هر روی، نویسندگان «پیکار» در دوران انتشار آن در سال های ۱۳۱۲ - ۱۳۱۰، وظیفه خود را در افشاگری دیکتاتوری ضد خلقی رضا شاه، تحلیل مارکسیستی از مسایل روز ایران و جهان و نشر اندیشه های مترقی به نحو احسن انجام داده و همکاری مارکسیست های جوان ایرانی چون تقی ارانی و ایرج اسکندری را به سوی خود جلب کردند. (۲۴)

در دی ماه ۱۳۰۷(ژانویه ۱۹۲۹)، ارانی تحصیلات دکترای خود را در دانشگاه برلین به اتمام رساند و پس از گذراندن یک دوره چند ماهه در شیمی تسلیحاتی در بهار سال ۱۳۰۹ از آلمان به ایران برگشت.(۲۵) به جرأت می توان گفت که ارانی در زمان ورود به ایران به یک مارکسیست متعهد و عملگرا تبدیل شده بود و همزمان با بازگشت ارانی به ایران تعدادی از یاران او چون ایرج اسکندری نیز به ایران برگشتند. شایان توجه است که ارانی و یارانش همراه با دیگر مارکسیست های ایرانی، که در آستانه آغاز دهه ۱۳۱۰ به ایران برگشتند، با کمونیست ها و مارکسیست های «حزب کمونیست ایران» که در آستانه آغاز دهه ۱۳۰۰ به ایران برگشته بودند، تفاوت های قابل توجهی داشتند که به بخشی از آنها اشاره می کنیم.(۲۶)

یکم اینکه ارانی و یارانش که از نظر تعداد بسیار محدود بودند، برخلاف رهبران حزب کمونیست ایران در کشور های غربی، بویژه آلمان تحصیل کرده و در آنجا با اندیشه های مارکسیستی آشنا شده بودند؛ در صورتیکه اکثر «رهبران حزب کمونیست ایران» - از اسدالله غفارزاده، حیدر عمواوغلی و جعفر پیشه وری گرفته تا آرداشیس(اردشیر) آوانسیان، سلام الله جاوید و محمد آخوندزاده(سیروس بهرام) و ... همگی از تحصیل کرده ها و تربیت یافتگان باکو، تفلیس، عشق آباد و تاشکند و دیگر شهرهای روسیه تزاری بودند. (۲۷) و (۲۸)

دوم اینکه ارانی و یارانش روشنفکرانی بودند که در کشورهای غربی با تاریخ جنبش مارکسیستی آشنا شده بودند. در حالیکه رهبران حزب کمونیست ایران نه تنها در انقلاب شمال ایران در دوره ۱۳۰۰ - ۱۲۹۶(در جنبش های آذربایجان و گیلان و خراسان) به نحوی درگیر شده بودند، بلکه در جریان تسخیر قدرت توسط بلشویک ها در روسیه تزاری بویژه در آذربایجان نیز شرکت فعال داشته و تجارب گرانبهایی کسب کرده بودند.

سوم اینکه، اکثریت بزرگی از یاران ارانی که با ارانی و فعالیت های او در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰(۱۹۳۰) درگیر بودند، متعلق به خانواده های فارسی زبان بودند. اما اکثریت قاطع کمونیست های ایران که اعضای رهبری حزب کمونیست ایران را در دهه ۱۳۰۰(۱۹۲۰) تشکیل می دادند، با اینکه ایرانی بودند ولی از نظر زبانی و قومی به ملیت های غیر فارس، بویژه به آذربایجان و ارامنه تعلق داشتند. از چهارده عضو رهبری حزب کمونیست ایران، نُه نفر از آنان(اسدالله غفارزاده، جعفر پیشه وری، کریم نیک بین، آقابابا یوسف زاده، محمد آخوندزاده، سلام الله جاوید، علی سرتیپ زاده و ابراهیم علیزاده) از ترک های آذربایجان، دو نفر(احمد سلطان زاده و اردشیر آوانسیان) از ارامنه آذربایجان ایران ، یک نفر(حسین شرقی) از عشق آباد ترکمنستان بودند و فقط دو نفر (محمد دهگان و محمد حجازی) که به ترتیب از کاشان و تهران بودند، به ملیت فارس تعلق داشتند. (۲۹) و (۳۰)

بدون تردید این تفاوت های تاریخی و جغرافیایی در شکل گیری و رشد مارکسیسم در ایران در دوره اوجگیری خفقان

رژیم رضا شاه(۱۳۲۰ - ۱۳۱۰) و پس از آن در دوره «آزادی های دمکراتیک» (۱۳۳۰ - ۱۳۲۰) نقش چشمگیر و کیفی داشتند. این تفاوت ها پس از ورود ارانی و یارانش به ایران در جهت اقدام به گسترش اندیشه های کمونیستی بوضوح به چشم می خورد.(۳۱)

نوشته های فلسفی و اجتماعی دکتر ارانی که در شماره های مختلف نشریه «دنیا» در دوره اول سال های ۱۳۱۶ - ۱۳۱۳ منتشر شده اند، نشان می دهند که ارانی بعنوان یک پژوهشگر مارکسیست به ایران بازگشت تا پس از مطالعهٔ دقیق از اوضاع، در بین روشنفکران به اشاعه اندیشه های مارکسیستی دست بزند. در حالیکه کمونیست های حزب «عدالت»(حزب کمونیست ایران) با هدف شرکت در انقلاب رهایی بخش ایران که در آن دوره سراسر شمال ایران را درنوردیده بود، به ایران بازگشتند.(۳۲) و (۳۳)

کمونیست های دهه ۱۳۰۰، زمانی به ایران برگشتند که جنبش جنگل مؤفق شده بود منطقهٔ جنگل را از کنترل دولت مرکزی آزاد ساخته و شرایط امنی برای انتقال و تثبیت تشکیلات و رهبری حزب به ایران بوجود آمده بود. ولی بازگشت ارانی در سال ۱۳۰۹(۱۹۳۰) مصادف با استقرار کامل دیکتاتوری و تصویب قانون ضد اشتراکی ۱۳۱۰ و انهدام فیزیکی حزب کمونیست ایران و سرکوب آزادیخواهان و روشنفکران در سراسر ایران بود. ارانی از اوان ورود به ایران علیرغم وجود فضای خفقان پلیسی، در جهت تدارک و تشکیل محفل های کوچک مارکسیستی بین روشنفکران اقدام کرد.(۳۴)

پی نویس ها

۱۷- ایرج اسکندری، «خاطرات سیاسی» پاریس، ۱۳۶۶، بخش نخست، صفحهٔ ۳۱ و محمد گلبن و یوسف شریفی، «محاکمه محاکمه گران» تهران، ۱۳۶۳، صفحهٔ ۲۰۱.

۱۸ - اسکندری، همانجا، صفحات ۳۲ - ۳۱.

۱۹ - احمدی، همانجا، صفحهٔ ۷.

۲۰- در بارهٔ مقام و موقعیت سیاسی میرزا اسکندری در سال های ۱۳۰۶ - ۱۲۹۹ بعنوان رهبر حزب سوسیالیست ایران و عضو دوره های چهارم و پنجم مجلس ملی، رجوع کنید به: بخش دوم در فصل دوم همین نوشتار و سازمان امنیت و اطلاعات کشور(ساواک)، «سیر کمونیسم در ایران یا تاریخ مختصر فعالیت کمونیست ها در ایران از اوایل مشروطیت تا فروردین ۱۳۴۳» تهران، ۱۳۴۳، فصل ششم، صفحهٔ ۱۵۱.

۲۰ - احمدی، همانجا، صفحهٔ ۷.

۲۲ - آبراهامیان همانجا ، صفحهٔ ۱۵۷.

۲۳ - رجوع کنید به: سند شماره ۱۰۲ در کتاب «اسنادی از مطبوعات و احزاب دورهٔ زضا شاه»، گردآورنده: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ، ۱۳۸۰، صفحات ۴۳۰ -۲۳۹.

۲۴ - سند شماره ۱۲۳: «انتشار نشریه پیکار بصورت شبنامه، تحت مدیریت محمود پایدار در اتریش»، همانجا، صفحات ۲۹۱ - ۲۹۰

۲۵ - «نگاهی به زندگی گذشته پیکار» در «پیکار»، نشریه حزب توده ایران ، دوره دوم، سال اول، شماره یک(خرداد و تیر ۱۳۵۰). صفحات ۱۰ - ۷

۲۶ - رجوع کنید به: سند شماره ۸۹ در «اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضا شاه»، همانجا، صفحات ۲۰۲ - ۱۹۸

۲۷ - سند شماره ۹۴: «ورود غافلگیرانه پلیس مخفی آلمان به منزل و چاپخانه دکتر ونر و ضبط بقایای شماره ششم نشریه پیکار»، همانجا، صفحات ۲۲۲ - ۲۱۵

۲۸ - سند شماره ۹۶: «مقابله روزنامه برلینر تریبون در اعتراض به اقدام غیر قانونی وزارتخانه های خارجه و کشور آلمان در توقیف نشریه پیکار» و سند شماره ۹۷ «ترجمه سه فقره خبر از روزنامه های آلمان راجع به توقیف و محاکمه متصدیان نشریه پیکار» همانجا، صفحات ۲۲۸ - ۲۲۳

۲۹ - سند شماره ۹۳: «عدم توقیف رسمی انتشار نشریه پیکار توسط دولت آلمان به دلیل موانع قانونی ناشی از عمل متقابل ماده ۱۰۳ قانون جزایی آلمان» همانجا، صفحات ۲۱۴ - ۱۲۱

۳۰ - سند شماره ۱۱۳: «تعقیب و بازداشت متصدیان نشریه نهضت توسط عدلیه آلمان بعنوان ادامه نشریه پیکار» همانجا، صفحه ۲۵۹

۳۱ - سند شماره ۱۱۳: همانجا، صفحه ۲۵۹

۳۲ - برای ماخذ رجوع کنید به: اردشیر آوانسیان، «صفحاتی چند از جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دوران اول سلطنت رضاشاه(۱۹۳۳ - ۱۹۲۲) تهران، ۱۳۵۸ صفحات ۱۳۸ - ۱۳۵ و انور خامه ای «پنجاه و سه نفر» تهران ۱۳۶۳صفحه ۷۰

تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، برکلی ۱۹۶۶ صفحه S. Zabih ٦٤ - ۳۳

۳۴ - عزت الله نوذری، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز، ۱۳۸۰ صفحات ۲۸ - ۲۷

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www. ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library

در جنبش جهانی کمونیستی

فراخوان ایکور ICOR برای روز ضد جنگ ۱ سپتامبر ۲۰۱۷

هماهنگی بین المللی احـزاب و سازمان های انقلابی (ICOR) هر سال روز بین المللی مبارزه علیه جنگ و فاشیسم را در اول سپتامبر (روز اول جنگ جهانی دوم) گرامی میدارد. امروز ما می خواهیم در مقیاس وسیع و با روحیه مبارزه علیه فاشیسم و جنگ امپریالیستی و علیه جنگ افروزان رنگارنگ - برای جهان بدون استثمار، بدون ظلم و ستم و بدون جنگ های امپریالیستی ، در خیابان ها تظاهرات کنیم.

برای چندین دهه، تهدید جنگ هسته ای که هرگز نمی تواند به یک منطقه محدود شود، تا کنون در صدر قرار داشته است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، آشکارا کره شمالی (جمهوری دموکراتیک خلق کره)را با حمله هسته ای تهدید می کند. امپریالیسم آمریکا به مثابه تنها قدر قدرت، کماکان دشمن تمام مردم است و تهدید اصلی صلح جهانی از آنجا ناشی می شود. رژیم کره شمالی از این جهت پایگاه نظامی ایـالات متحده را در جزیره گوام تهدید به حمله موشکی کرده است، که به معنای تشدید خطرناک این درگیری است. اما وضعیت کره شمالی را باید در غالب جنگ مخربی که بیش از ۶۰ سال است توسط ایالات متحده آمریکا و متحدان آن علیه کره شمالی براه افتاده و ادامه این تهدیدات ،آزار و اذیت توسط آمریکا، مورد توجه قرار داد.

در سال ۱۹۶۴، چین سوسیالیستی آگاهانه از اولین حمله هسته ای خودداری نمود.

بقیه در صفحه ۱۱

دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی کره شمالی(قسمت دوم)

تباهی روحی و فکری بوسیله «حقوق بشر» به عنوان یک سلاح تخریب جمعی

فساد اخلاقی از مفهوم « حقوق بشر » برای استفاده به عنوان یک سلاح تخریب جمعی در سازمان ملل متحد تکمیل شده است. همان طور که مایکل باست (Michael Bassett) در مقاله خود اشاره می کند- « جنگ های مدرن کره: عرضه یا تجهیز با سلاح بوسیله حقوق بشر»:

به گفته انـدرو برت (Andrew Burt)، «برای دهه ها دولت ایالات متحده هیستری جمعی را شکل داده و آنرا تحت کنترل در آورده، که به اهداف سیاسی آمریکا در خارج از کشور دست یابد. کمیسیون تحقیقات حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد کره شمالی به راحتی چهار ماه بعد از مرگ کیم جونگ ایل تأسیس شد».

استیو هارینک (Steve Haarink)، یک کاندید دکترا اشاره می کند، « از سال ۲۰۰۶ به بعد هر کمیسیون تحقیق اقدامات نظامی علیه کره شمالی در صدر تصمیم گیریها قرار داشته و این وضعیت شرایط انسانی را بدتر کرده است. » ....« بنیاد ملی برای دموکراسی به شدت بدرد آن سازمان های غیر دولتی که این هیستری را دامن می زنند، سرمایه گذاری می کند. ...« دولت ها عمدا هیستری حقوق بشر را تولید و آن را تحت کنترل قرار می دهند. »....."...

در حالی که National Endowment Dataset (مجموعه داده های بنیاد ملی) به سمت سازمان های حمایت مالی از جمله سازمان حقوق بشر کره شمالی (NGO)،

بقیه در صفحه ۱۱

تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران

از انقلاب مشروطیت ۱۲۸٤ تا انقلاب ۱۳۵۷

فصل چهارم: حزب کمونیست ایران در دورهٔ حکومت رضاشاه پهلوی

فعالیت های حزب پس از کنگره دوم تا سرکوب آن در سال ۱۳۱۰

ارانی در زمانی که به مطالعهٔ آموزش های مارکسیستی روی آورده بود، با یکی از دانشجویان فعال سیاسی بنام اسدی(اسدالله) که در رشته اقتصاد و تجارت در دانشگاه برلین تحصیل می کرد آشنا شد. اسدی پس از مدتی ارانی را با مرتضی علوی(برادر بزرگتر بزرگ علوی)که در این دوره در دانشگاه برلین مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بود و فعالیت سیاسی نیز می کرد، آشنا ساخت. اسدی و علوی با هزینه شخصی در آلمان تحصیل می کردند و حدود دو سال پیش از ارانی، از ایران به آلمان آمده بودند. مناسبات دوستی و عقیدتی این سه دانشجو در برلین بـه فعالیت سیاسی در زمینهٔ مارکسیستی منجر به تشکیل پایه های اصلی و ریشه ای گروه و یاران ارانی در سال های بعد گردید.(۱۷)

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی(۱۹۲۷ میلادی)

بقیه در صفحه ۱٤

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A